

# کشف توطئه کودتای ارتجاعی ترین محافظ سرمایه داران بزرگ وابسته و نقش ضد خلقی ارتش

طرح کودتای بختیار و عوامل مزدور و نوکران سرسپرده امپریالیسم آمریکا با شکست مواجه شد. این کودتا، که بر زمینه های بحران سیاسی و اقتصادی جامعه و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه از یکسو و عملکردهای باند های جیره خوار امپریالیسم واز جمله تبلیغات رادیویی آنان از سوی دیگر تدارک شده بود، هدفی جز روی کار آوردن رژیم دست نشانده ای نظیر رژیم گذشته را نداشت. طبیعی است

که امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا همواره چنین هدفی را دنبال کرده و خواهند کرد. اگر چه سیاستمداران امپریالیسم آمریکا در شرایط و اوضاع سیاسی بعد از قیام بهمن ماه عدم امکان تحقق کودتای نظامی را حتی بطور علنی در نطق ها و مصاحبه های خود بیان میداشتند، اما طرح کودتای اخیر به عینش نشان داد که آنان هیچگاه از تدارک عقبیه در صفحه ۲

## گرامی باد ۲۳ تیر ماه سالروز قیام قهرمانانه نفتگران

روز ۲۳ تیر ماه سالگرد قیام قهرمانانه کارگران نفت ایران، این پیشتازان مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است در تیر ماه سال ۱۳۲۵ بزرگوار گران قهرمان ایران و پیشاپیش آنها کارگران مبارز صنعت نفت با مبارزه دلیرانه خود بر ضد امپریالیسم مسلط آن زمان یعنی

امپریالیسم انگلیس و دولت دست نشانده قوام السلطنه، قدرت پرولتاریا را بنمایش گذاردند. از سوی دیگر ۲۳ تیر ماه یادآور گوشه ای دیگر از خیمه تنگساز و سازشکاریهای "حزب توده" این تجسم عینی اپورتونیسیم و سازشکاری است. در تیر ماه سال ۱۳۲۵ بزرگوار گران قهرمانان ایران و پیشاپیش آنها بزرگوار گران قهرمانان صنعت نفت با مبارزه دلیرانه خود بر ضد امپریالیسم مسلط آن زمان یعنی

**مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای دموکراسی**

● مبارزه برای دموکراسی از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته تفکیک ناپذیر است در صفحه ۱۰

## مسئله کردستان و موضع ما (۱) در صفحه ۵ رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش خلقها

### در این شماره:

- سازمانهای انقلابی توده ای (۲) سیاست یا ایدئولوژی (مسلک) در صفحه ۹
- نمونه ای از حمایت مردم از نیروهای انقلابی در صفحه ۳
- پیروزی کارکنان سازمان آب در گرفتن حق مسکن در صفحه ۳
- تحریکات پاسداران و شهادت انقلابیون در صفحه ۱۲

در پی اخبار برجیدن دهکده ها  
**مبارزات دهکده داران به خون کشیده شد.**

بنا به ۳- آنهارا راکت حداقل معاش خود باز دارد، هر بار، کوشیده آنها را ضد انقلاب و عامل فساد و فحشا معرفی کنند. واقعه یورش وحشیانه پاسداران به دهکده های جنب پارک ملت در تابستان گذشته، بهم ریختن و از بین بردن سرمایه اندک دهکده داران کرخ در چند روز پیش بهم ریختن شایط و باره کردن کتابهای دهکده های کتابفروشی و بالاخره کتابساز بیبدون دلیل دهکده داران تهرانی در روز پنجشنبه نوزدهم تیر ماه جاری در جلوساختن شهرداری، سین چیست؟ صد انقلابی بودن دهکده داران یا دفاع دولت از منافع سرمایه داران و فروشنده های بزرگ؟ عقبیه در صفحه ۱۱

بیکاری هر روز دانه وسیع تری میگردد و گران هر روز گرانتر می شود و زحمتکشان میبمانند و اردمکنده هر سه سرسام آورندگی و نداشتن مزد و حقوق، زندگی زحمتکشان را تهدید میکند. در این میان دهکده داری و دهکده داران که وجودشان خود از عوارض بحران اقتصادی و بیکاری و گران روز افزون است، در هفته گذشته صورت سالهای حادثه آلوده منجر به درگیری و زخمی و شهید شدن چند زحمتکش دهکده دار شد. دهکده داری از بعد از قیام، بدلیل رشد بیکاری، گسترش روز افزون یافتن دولت و شهرداری نیاز همان اول بان به عارض برآختند. دولت بدون توجه به علل و انگیزه های روی آوردن سگاران به دهکده داری، کوشیده است با زور و عتاب و در

## حجاب اجباری فرهنگ امپریالیستی

در صفحه ۱۲

● مبارزه با فرهنگ امپریالیستی زمانی می تواند، تحقق یابد که با یک درگیری زرف در اقتصاد - اجتماعی جامعه و در هم کوبیدن مناسبات سرمایه داری وابسته همراه باشد.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکودگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

### کشف توپنه...

بقیه از صفحه ۱  
لازم واجادشیکهای نظامی جهت دست یازیدن به چنین اقدامی، فروگذار نمی کنند.  
کارکردهای صدانقلابی و بورژوازی هشت حاکمه می تواند امپریالیزم را از توسل به شیوه های نظیر کودتای نظامی بازدارد. بلکه برعکس، امپریالیزم می تواند از فرصت های مناسب برای تسلط کردن حکومت ارتجاعی ترین و صدانقلابی ترین محافل سرمایه داران بزرگ و وابسته در ایران، حداکثر استفاده را بکند. دلیل اساسی اتحاد این تاکتیک از جانب امپریالیسم در شرایط کنونی آن بود که، تا کامل آگاهی سیاسی توده ها و رشد سطح مبارزه طبقاتی در ایران از یک سو و تعریف همه جانبه نقش سیاسی بورژوازی بزرگ در حکومت، و تشدید نضادهای درونی هشت حاکمه، تلاشهای امپریالیسم برای اعمال تسلط همه جانبه سیاسی در ایران را میسرمان زیادی دچار شکست کرده بود.

مضمون سیاست بلند مدت لیبرالها که همواره دفاع از منافع و موقعیت اجتماعی سرمایه داران و زمینداران متوسط و در سازش با بورژوازی بزرگ ایران بوده است، و نیز عملکرد صدانقلابی و ضد مردمی سران حزب جمهوری اسلامی که اساساً چیزی جز خدمت به منافع استثمارگران و استثمارکنندگان سرمایه داران وابسته تر بوده ها نبوده است، با کنون امپریالیسم را امیدوار می نمود که با حکومت کنونی به سازش سیاسی دست یابد. از این رو، جز در دوره های کوتاه مدت و تاکتیکی که در آن اعمال فشار اقتصادی و سیاسی را ضروری می نمود تاکنون هیچگاه تاکنون سرکونی حکومت کنونی را با منافع خود در ایران و منطقه منطبق ندیده است. بلکه مطالبه عینی سیاست و تاکتیکهای امپریالیزم نسبت به هشت حاکم خوبی نشان میدهد که همواره نفیوت سلطه جناح لیبرال و کشتن جناح حزب جمهوری را هدف خود قرار داده است. و سیاسی آنها را، هدف خود قرار داده است. امپریالیزم آمریکا، حتی در شرایط اوج گیری بیگانه سازی امپریالیستی، تا دمویک تا تک حلق و نیز آزادانه "کروناگیری" که از نقطه نظر داخلی است، و بنحو غیر قابل تصویری مواضع کار تروخیز دمکرات را بویژه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تضعیف می نمود، هرگز از زدگرایین طلب که در صورت آزاد ی کردگانها، دولت ایران را مورد تا نید و بیستیمانی قرار خواهد داد، تردیدی خود را نداشته است. اما امروزه موقعیت داخلی و بین المللی امپریالیزم و همچنین بحران عمیق حاکم بورژوازی، امپریالیسم آمریکا را به تاکتیکهای متفاوتی می کشاند و در این رابطه به طرح کودتای نظامی اخیر توسل می جوید.

طیف وسیع لیبرالها در حکومت، که نمایندگان سیاسی سرمایه داران متوسط هستند، در شرایط کنونی به نیکبختی امپریالیسم تبدیل شده اند. موقعیت اجتماعی و اقتصادی سران حزب جمهوری اسلامی و نیز جناحگاه طبقاتی آنان که عمدتاً در میان سرمایه داران و تجار بازار قرار دارد، انعکاس سیاسی خود را در اقدامات و سیاستهای ضد موکراتیک و سرکوبگرانه ای حزب، بازمی یابد. آنها این منافع طبقاتی را در شرایط بحران سیاسی، به بیخیزندترین شکل در پیوستن "اسلامیت" و "ولایت فقیه" به پیش می برند. اما بحران اقتصادی موجود، وضع زندگی ضرایب بیشتری از توده ها را در همه جا بدتر می کند. مبارزه طبقاتی گسترتی می یابد و همیای آن نقاب از چهره سران حزب جمهوری اسلامی کنار رفته و حقیقت سیاست آنان، هر روز بیشتر، در مقابله جثمان توده های ملموسی نمایان می شود. کشته خواهد شد و آنان بیش از پیش با یک توده ای خود را محدود نخواهند یافت.

خریبه طرح توپنه کودتای امپریالیستی اخیر، یکبار دیگر خوبی به سوده های آموزدگانه حفظ و بازسازی دستگاه دولتی رژیم شاه (ارتش و دستگاه اداری) که توسط دروختان فوق در هیئت حاکمه صورت پذیرفته است، همواره امکان استقرار رژیم سرمایه داران ترین و صدانقلابی ترین جناح را که از ارتجاعی ترین و وابسته امپریالیسم تبعیت می کند، در بطن خود می بروراند و ارتش ضد خلقی که در حریان قیام مردم نام ارتش اسلامی را بر خود نهاده است مرکز ثقل و میزبان حاکم حاکم خلق اینس امکان می یابد. اینک واقعیت کودتا، حقیقت شعار

های انقلابیون راستین و ارجمند ما "فدائیان خلق" را که خواستار نابودی ارتش ضد خلقی و برپائی ارتش خلقی بودیم، به توده ها نشان می کند.  
کشف و سرکوب شبکه مردوران کودتاگر یعنی پایان چنین توپنه هایی نیست، وظیفه نیروها و سازمانهای انقلابی و مترقی و بیوزگم و بیستیمانیست که توده ها را نسبت بدان آگاه و مستهلک نموده و با مدکی لازم را جهت بسیج مسلحانه توده ها در شرایط حقیق کودتا فراهم نماید.  
بررسی مواضع و سیاست جناحهای اصلی و قدرتمند حاکمیت یعنی لیبرالها بر همی ری بنی صدر و سران حزب جمهوری اسلامی، در رابطه با جریسان سرکوب و طرح کودتا بیش از هر چیز حائز اهمیت است.

این دو جناح که اساساً "بزرگترین قدرت برتر، منظور سازماندهی و تجدید سازماندهی مناسبات سرمایه داری وابسته موجود، مدنیه است که مرفاقت برخاسته اند، از همان ابتدای اعلام خیر کودتا

بظور ضمنی علیه یکدیگر، به وضوح کیری برداختند. آنان که سر اسرار با سازش ارتش ضد خلقی با یکدیگر "میتاق وحدت" رسانند، اینک برای کسب امتیازات جدید در ارتشهای حکومتی، یکدیگر را مسئول و زمین ساز کودتا معرفی می کنند. این جریسان جلوه دیگری از اختلافات درونی هبای حاکمه را نمایان می کند.

رئیس جمهوری که از مدتها پیش بر سر تعین فرماندهان ارتش با سران حزب جمهوری اسلامی اختلاف نظر پیدا کرده بود، برای توجیه سیاست خود در زمینه بازسازی ارتش یعنی ایفای فرماندهان مردور در ایالات بزرگ سیاه و رودهای ارتش از یکسو اتحاد و نظام و طاعت کورگورانه و سرکوب و اخراج بر سرسل انقلابی از سوی دیگر، فرمانده جدید نیروی هوایی (سرهنگ قفوری) را بر همه ایکی از مسئولین سیاه سازان به عنوان مفسرین جریان کودتا به بینندگان تلویزیون معرفی کرد. فدائی از روز رئیس جمهور

این کشف حزب جمهوری اسلامی را که با قری فرمانده سابق نیروی هوایی در کودتا نقش داشته و دستگیر شده است دروغ حقیقی نماید، رئیس جمهور حتی تا کید کرد که نیمه ساری قری در کشف توپنه کودتا نیز نقش مهمی ایفا نموده است. دلیل عکس العمل آنی رئیس جمهور آن بود که وی از مدتها قبل بدافع از فرماندهان مزدور ارتش برخاسته و در مصاحبه ای که چند روز پیش بعمل آورد نمود، گفت: "در پرونده دیگر چمران آمده است. راجع به همین فلاحی صحبت کرد و تا آنکه در که اسام کشف است در هر حال باید از توضیح و تفسیر و نقد بگذر شود. ... افسرهای دیگر هم بودند، من از آنها نقدی نمی کنم که گذشته شان هر چه می خواهد بوده باشد. یکی از آنها همین سرلشکر باقری است که هر روز یک عده های با عکس می آید و در تیرین مجلس و از این حرفها ... ولی بعد از اوسیس افروید، آنهاست که همه نظر من به مکتوبت جمهوری صده میزند و ولطمه می زند و سوا که بگریسد، بسیند این مدتها را از زمانها را هم بقایه نمی کشید، می بینید که هر چه را رفتیم روی خط، اینکه مکتوبت را حاکم کنیم، اینجا قافظ بوده ایم، آنجا که خوب کار شده و رونق شده و حرکت شده جلوه رفتیم و هر جا که رفتیم این باز بهار را آوردند. ... (اطلاعات تک شماره ۲۵ خرداد ۵۹) آری بنی صدر در مصاحبه، گویا قتل خود، این چنین بدافع از فرماندهان مزدور و جلال

و از جمله سرلشکر باقری بی بردار و و انباشت روی بسوی مکتوبت می یابند. آیا او اکنون بی نوانست اعتراض کند که سرلشکر باقری این جلال خلقی کرد با کودتا گران ارتباط داشته است؟ زهیران سواری نظامی بود که، نسمار محقق و نسمار مهدیون را چه کسانی از زندان آزاد کرده بودند؟ هلنیکوینترهای آمریکائی در طریس به دستور چه کسانی میماریان شدند؟ آیا بیان همسان کسانی هستند که سابقاً دستور میماریان شهرها و روستاهای کردستان را صادر کرده اند؟ آیا سرکوب و زخمی کشیدن کرد و ترکمن ... جریست فرماندهان امروز و کودتاگران فردا، می تواند صورت بپذیرد؟ دشمنی بنی صدر و جناح لیبرالها با یگانگاران، دهقانان و کوشندگان مسلماً "اورا به نفیوت فرماندهان مردوار ارتش و سرکوب پرسنل انقلابی و امیدارد، اما در سوی دیگر مواضع و سیاست سران حزب جمهوری اسلامی قرار دارد. کشف توپنه کودتا بسوی آنان فرصت بی نظیری را برای جار و جنجال تبلیغاتی و فرود آوردن ضربت به جناح لیبرالها بطور اعم و ترسین

جمهوری بظور خاص، فراهم آورد. باید نتایج بنی صدر و جناح او را در ماجرای "نورآبیت"، با ضربه جدیدی، پاسخ داد و او را در ادهان عمومی، به نفع موقعیت خویش بی اغنباری کرد. در مقابل باید به نقیشت "انحصارهای اسلامی ارتش"، سپاه پاسداران و کمینه ها که همانا وسایل حقیقی اعمال قدرت حزب جمهوری اسلامی در دستگاه دولت هستند، افروید.

آنها از همان ابتدای کار، با استفاده از کلیه امکانات و وسایل تبلیغی (راديو، تلویزیون و روزنامه ها) و واسطه حزب (انلهای همه جانبه ای را آغاز کرده و با نقل بیگرنی دروغین سعی در فریب توده ها داشتند. با تفکک صدانقلابی "سپاه پاسداران" و کمینه ها را آوردند جلوه داده و نتایج های فوق را، فخر مانان کشیدند و دستگیری توپنه گران نامندند.

ولی آیا تفکک صدانقلابی و سرکوبگرانه ارتشهای فوق در هجوم مسلحانه به رجمتکمان، و در آخرین نمونه سرکوب و کشتن ارتشگران، با چنین نشانی می تواند لایوشانی شود؟

آنها بطرح خنده آوری "فدائیان خلق" و محاهدین خلق را بعنوان دست اندرکاران کودتا به مردم معرفی نمودند. در این جریان سیاست آنان از یکسو هموجه حمله به جناح لیبرالها به رهبری بنی صدر از سوی دیگر که در این مورد با بنی صدر منقار و جدت بسته اند. نتایج به بنی و نیروهای انقلابی و سازمانهای مترقی پیوسته است. اما تبلیغات و اعمال فشار صدانقلابی هر چه قدر هم که متمرکز باشد نمی تواند واقعات تاریخی اجتماعی را، برای مدت طولانی از نظر توده ها پنهان بدارد. توده ها با فعالیت نیروهای انقلابی و از طریق جناح راست سیاسی روز به روز خود هر روز گام جدیدی را در جهت شناخت واقعی ماهیت احزاب و دستجات سیاسی، بر میدارند. ماهیت صدانقلابی حزب جمهوری اسلامی نیز بیسوخته نخواهد ماند.

نتیجه آنکه کشف کودتای مزدوران سرسپرده و وابستگان امپریالیسم و رنجانی ترین بخش بورژوازی توسط هیئت حاکمه، معرف ماهیت انقلاب و مردمی آن نیست، بلکه برعکس ماهیت حاکمیتی راستان می دهد که با پاسداری از مناسبت دولتی کشته و ساری ارتشهای سرکوب آن نظیر ارتش ضد خلقی و کارگران زنهای جلال در رژیم شاه در دستهای عالی و رفیق مدتی، به انقلاب پیوسته و پیوسته گرداند. هیچ کوسنی نمی تواند، این حقیقت را نفی کند.

### تحریکات پاسداران...

بقیه از صفحه ۱۲

شانه روزی را دیو لوبیرویی و مطبوعات دولتی علیه سازمانها و نیروهای مترقی می یابد. ماهیت جنبش تبلیغی سرکوب علیه مردمی مبارزها، سرکوب ها و اقدامات در گوشه و کنار مملکت دست به مقاومت علیه جسار اعمالی زده و او احبار همدیده که آنها را حتی هر آچه می خواهند احقاد دهند، جاسی که در بار کید دست سپاه پاسداران ایفای افسار نگار دیگر هم از موضع جمهوری اسلامی را از آگاهی بوده ها و دشمنی و خصومت آنها را بسوی نیروهای مبارز انقلابی نشان داد و یکبار دیگر تا کید که اسام و قلم وعده آرا دشمنی دستوردهای تمام که به دست چون دهها هزار شهید دست آمده یکی پس از دیگری مورد سهاجم است. اما این افعال از سوی مردم و روجه مقاومت و مردمی مردم را بر همه اش کران آنها علیه هم فشار برساند آنها را مگر ما غشیا معاومت کردید و استکباری نمودند و چه بسیاری روجه مبارزانی خود را بسیار دادند.

امروزه او ادان مبارزهای انقلابی تا کید و همکاری مردم مبارز را یک موفق داده است. دیگر با ایجاد مساجد و سروس کات و بیوسرور ایداحسن رحب و سادل خطر سرانسون مسائل سیاسی و فوفا می کند در مملکتان می کرد و طبقه انقلابی خود را به توده ها و کشتن سیاستهای ستم طلبی، مطالبات را ارتکار اسام دهند، و اس خود درمی است برای همدستگنان و مدافعان معار. استقلال، گسار، مسکن، آزادی که اتحاد کساعروسی مبارزه را با مسکاد نیکس و بیوسرور در غلط حیلل و سهر معوان کی دیگر اسکال مبارز را، در جهت عمس و کسرتن مبارز را باده کوسد

● حاکمیتی که طی یکسال و نیم هیچ گام مؤثری در جهت حل مشکلات مردم برداشته، حاکمیتی که به خواسته های برحق خلفهای رجمتکش با توپ و ناناک پاسخ میدهد، حاکمیتی که سیستم گذشته را بازسازی می کند و دستاوردهای قیام را نابود می سازد، حاکمیتی که نیروهای انقلابی و فرزندان راستین خلق را ضد انقلابی بینامد، و بالاخره حاکمیتی که به جای ایجاد کار و کاهش بیکاری، به دهکده داران و بساط داران پی سرمایه پورش میدهد و آنها را بیکار می کند، حاکمیت خلقی و انقلابی نیست.

سازمان حرکتی فدائیان خلق ایران

فدائیان خلق میگویند:

ت-الف ۱

# استقلال - کار - مسکن - آزادی



# گرامی باد ۲۳ تیر...

بنفیه ۱ ز صفحه ۱

عنوان عمده ترین انحراف جنبش کارگری خودنمایی میکند، اینکه کار دیگر "مران و رهبران" اپورتونیست راه - دنباله روی و دلجویی از بورژوازی رادریپش گرفته اند و پشت میز مذاکره جهت رد و بدل کردن امتیازات می نشینند و در حالیکه مثلا "شورای نفتگران قهرمان یا لابشگاه تهران با تکیه حمایت بدریغ نفتگران از خود عملاً رو در روی معین فرو دادستانی انقلاب قرار میگیرند و آنها را وادار به پذیرش نظری خود می نمایند و از فرستادن نمایندگان خود بدادستانی انقلاب و باید فتر معین فرخود داری میکنند، اینک که سایر دیگر سازشکاران در بین "بالائی ها" بدنیال متحدی برای کارگران و زحمتکشان میگردند بدون توجه باینکه آنها میکوشند حتی ابتدائی ترین حقوق کارکنان نفت را نادیده بگیرند و مثلا "از بستن پیمان ده جمعی" که هر سه سال یکبار بسته میشد و در آن حقوق قانونی کارکنان شرکت ملی نفت منظور میگردد، برهیزی کنند، و سعی در جلب نظر آنها بر هر قیمت دارند، اینک که اپورتونیستها میخواهند مسازرات ضد امپریالیستی طبقه کارگر، این بگیرند و انحرافی ترین طبقه را به انحراف کشانند و بهمراه آن سیاست مستقل پرولتری را فراموشی سپارند، شاید که بهترین یاد بود و بهترین بزرگداشت برای شهدای قهرمان ۲۳ تیر ماه سال ۱۳۲۵ موری و وقایع آن دوره از مبارزات طبقه کارگر و بررسی نقش اپورتونیسم راست در شکست کشاندن این مبارزات باشد.

در مقطع جنگ جهانی دوم (۲۴ - ۱۳۱۸) که ضعف و از هم پاشیدگی هیئت حاکمه رشد تضادهای امپریالیستها و از سوی دیگر قحطی، گرسنگی، تورم و بیکاری جامعه را بسوی بحران شدیدی سوق می داد، درین مقطع تحولات و تغییرات عظیمی در جنبش کارگری ایران بوقوع پیوست. ارسال ۱۳۲۳ اتحادیه های کارگری متحد میگردد پیوستند "شورای متحد مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران" را بوجود آوردند. با تشکیل این شورا مبارزات متشکل طبقه کارگر دامنه وسیعی یافت، در عین حال بوجود آمدن شرایط نیمه دموکراتیک، در این سالها باعث شکل گیری گروه های بسیاری گشت. درین مقطع "حزب نوزاد" نیز اعلام موجودیت کرد. اما این "حزب" نه در دوران مبارزات شکل گرفته بود، نه در صحنه د

طبقاتی آیدیده شده بود. بحران اجتماعی حاکم و روی آوردن توده های ملیونسی بصحنه مبارزات طبقاتی باعث میگشت که این "حزب"، در پناه شعارهای دموکراتیک بتواند توده های وسیعی را جلب کند و رشد یادکنکی پیدا نماید. رهبری شورای متحد در دست اعضا حزب توده ایران بود. سیاست دنباله روی کور - کورانه حزب توده از حزب کمونیست شوروی باعث میگشت که دیالکتیک مبارزه طبقاتی در آن مقطع توسط رهبران آن درک نشود و بخاطر اتحاد تاکتیکی شوروی با امپریالیسم انگلیس در جنگ جهانی، حزب توده نیز مبارزه با امپریالیسم انگلیس که در آن مقطع تضاد عمده جامعه بود کم بهیاد دهد. همین علت و بر اثر کم بهیاد دادن مبارزه ضد امپریالیستی در دوران جنگ دوم و تا سال ۱۳۲۳ "حزب توده" بخصوص از گسترش سازمانهای کارگری در مناطق نفت خیز جنوب که تحت اشغال انگلیس بود خودداری نمود. از همین مرحله است که اپورتونیسم حاکم در حزب توده تاثیرات خود را بشکلی مشخص برجسته نشان میدهد. "حزب توده" بجای آنکه "پیشرو پرولتاریا" یا به بیان صریح و کاملاً درست خود "راهنمای کارگران"، دهقانان، روشنفکران، کارمندان، تجار و غیره (۱۰) باشد، بر اثر جایگزین کردن تضاد عمده جهانی بجای تحلیل مشخص از تضاد های درونی به مباحثات پر خوردهای کجدار و مریز با امپریالیسم انگلیس می پردازد و مشخصاً جلوی رشد جنبش کارگری را در مناطق تحت سلطه انگلستان می گیرد.

رشد مبارزات خلقهای ایران و بخصوص اوچگیری نهضت کارگری در مناطق نفت خیز شرکت انگلیسی و دولتی انگلستان را به وحشت انداخت و در همین ماه ۱۳۲۴ هیئتی انگلیسی از طرف مجلس انگلستان برای بررسی و گزارش اوضاع ایران بخصوص مبارزات مردم در خوزستان عازم ایران شد. در اردیبهشت ۱۳۲۵ نیز هیئتی از طرف دولت برای بررسی اوضاع به خوزستان اعزام شد. در هنگام بازرسی این هیئت اعتصاب ۱۰ هزار نفره کارگران نفت آغا جاری آغاز گشت. خواست کارگران علاوه بر خواستهای صنعتی بر سریت شناخته شدن اتحادیه کارگری و آزادی قلم و بیان و اجتماعات بود. شکست

انگلیسی دست به محاصره نظامی محل دستگیری فعالین اتحادیه زد. در اثر این اقدامات تمامی کارگران ایران بکشم آمدند. بنابه دعوت شورای متحد مرکزی در تبریز - همدان - زنجان - شاهسی - قزوین - چالوس و سایر شهرها اعتراضات و تظاهرات وسیعی به پشتیبانی از کارگران نفت برگزار شد و کارگران تمامی مناطق نفت خیز تهدید به اعتصاب نمودند.

پس از ۱۱ روز مبارزه پیگیر و سخت بالاخره دولت در خرداد ۱۳۲۵ مجبور به تصویب قانون کارگشت. در این قانون ۸ ساعت کارروانه، تشکیل صندوق تعاون و قبول اول ماه به عنوان تعطیل رسمی یا پرداخت دستمزد گنجانده شده بود.

شرکت نفت از اجرای قانون کار طرفه می رفت و بدین سبب ۱۵۰۰ نفر از کارگران نفت تهران دست به اعتصاب زدند. شرکت در عین اجبار به تن دادن به برخی از خواستهای کارگران عملاً با استفاده از حمایت بی شائبه دولت مرکزی به حقوق کارگران همچون ناهمبندی تمديد از سوی دیگر شرکت با پرداخت پول و اعطای مسرتج و قیابیل و عشا پر خورستان دست به تشکیل اتحادیه ای به نام "اتحادیه عشا پر خوزستان" زد. کلاً "شرکت انگلیسی نفت برای سرکوب مبارزات کارگران از تمامی امکانات نظامی از جمله تهدیدات خارجی بوسیله اعزام نیرو و ناوهای جنگی، ارتش رضاخانی، پلیس و شهرپایی خوزستان و... سود می برد. در این امر از همکاری میدریغ روسای پلیس و استاندار مزدور خوزستان (مصباح فاطمی) برخوردار بود. در عین حال در مواقع لازم از اتحادیه عشا پر خوزستان، برای سرکوب و اعمال فشار استفاده می کرد.

در تاریخ ۱۱ تیر ماه ۱۳۲۵ شش هزار کارگر نفت آبادان برای احقاق حقوق پایمال شده خود علیه سیاست های تجاوز کارانه دولت امپریالیستی انگلیس و شرکت نفت اش دست به اعتصاب زدند. تمام کارگران مناطق نفتی جنوب بیز پشتیبانی خود را از این اعتصاب اعلام داشتند و در روز ۲۲ تیر ماه ۱۳۲۵ اتحادیه کارگران نفت طی اعلامیه ای خواسته های کارگران را به این شرح اعلام کرد: برکساری و اخراج مصباح فاطمی استاندار خوزستان، نوکر شماره یک و خلق سلاح اتحادیه عشا پر خوزستان، منع شرکت نفت از مداخله در امور سیاسی ایران، تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری - منحل شدن اداره خدمات سیاسی (یعنی جاسوسی) نفت و اخراج سران آن از ایران و اجرای کامل قانون کار.

بدین ترتیب کارگران با طرح خواستهای سیاسی خود نوک تیز حمله را مستقیماً بسوی امپریالیسم انگلیس و عمال دست نشانده اش در ایران متوجه ساختند.

کمیته اعتصاب که از طرف شورای ایالتی اتحادیه های کارگران خوزستان انتخاب شده بود در ساعت ۵ صبح روز ۲۳ تیر ماه به شرکت نفت اطلاع داد که از ساعت ۶ صبح اعتصاب عمومی در سراسر مناطق نفتی جنوب آغاز خواهد شد. در ساعت ۶ - این اعتصاب که کلیه کارگران و کارمندان مناطق نفت خیز جنوب بجز کارمندان بیمارستانها، آب و برق و آتش نشانی را در بر می گرفت آغاز گشت.

تمام کارگران و کارمندان ایرانی، عرب، هندی و غیره که بالغ بر ۱۴۰ هزار نفر می شدند بطور یکپارچه در اعتصاب شرکت کردند و بیکدیگر همبستگی کارگران را به نمایش در آوردند این اعتصاب از نظر تعداد شرکت کننده و مضمون سیاسی خواست های طرح شده از بزرگترین اعتصابات تاریخ جنبش کارگری ایران است.

دولت اعتصاب را عیر قانونی دانست و در سراسر خوزستان حکومت نظامی اعلام کرد. ارتش یا لابشگاه آبادان را اشغال نمود و از احوال نیروی نظامی زیادی در مناطق نفت خیز اعزام گشت.

اتحادیه عشا پر خوزستان که توسط انگلیس ها مسلح شده بود، بهمه فرماندار نظامی آبادان سرگرد فانتور رئیس شهرپایی سرهنگ لغالی - که مبلغ ۲۰۰ هزار ریال رشوه دریافت کرده بودند - سه کارگر را حملهور شدند. زود خورد خونین کارگران با اتحادیه عشا پیرو ارتش تا ۱۲ شب بدراز کشید. بر اثر حملات مسلحانه به کارگران ۴۷ کارگر شهید و ۱۷۳ نفر زخمی شدند.

دولت انگلیس نیز بسرعت دست به اقدامات تجاوز کارانه شدیدی زد. در روز ۲۶ تیر ماه کشتی جنگی انگلیس سه آبادان آمد و در ساحل شط العرب لنگر انداخت. سر بازان هندی بسیاری برای تهدید به بصره اعزام شدند و بدین صورت تهدیدات دولت انگلیس رو به فرونی نهاد. کارگزاران و زحمتکشان ایران در تمامی شهر هادست به میتینگ های وسیع رده همبستگی خود را با کارگران مبارز نفت اعلام نمودند.

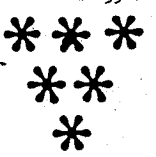
در این شرایط یعنی در اوج مبارزات کارگران ایران بر ضد امپریالیسم انگلیس و مزدوران و دست نشاندهگان داخلی است که دولت ایران بدست و سلا می افتد و "حزب توده" نیز در اثر اپورتونیسم حاکم بر آن با اتحاد

امید "حل مسالمت آمیز" مسائل دست در دست دولت به "خواباندن جنبش میبیردازد." دولت ایران فوراً "هیئت مرکب از معاون نخست وزیر، وزیر بازرگانی و نمایندگان شان حزب متحده مرکزی که از رهبران حزب توده بودند (رضاراد منش و رضا می کند، معاون نخست وزیر) را عوام فریبی تمام به سه دروغ در میتینگ ۳ هزار نفره کارگران آبادان وعده میدهد که خواست هارا مورد رسیدگی قرار داده زندانیان را آزاد خواهد نمود. راد منش و رضاراد منش کارگران دعوت به سکوت و صبر کردند تا دولت بتواند به خواسته های رسیدگی کند! این بدینسان اعتصاب بزرگ کارگران نفت خاتمه پذیرفت.

دولت ۳ روز پس از قطع اعتصاب بزور عده های خود زد و پورش علیه کارگران را پیش پیش شدت بخشید. اعضاء اتحادیه های کارگری دست بسته توقیف شدند. چندین هزار نفر از فعالین نهضت از کار اخراج گشتند در حدود ۵۰۰ نفر از هندیها بی که در اعتصاب فعالانه شرکت داشتند از خوزستان تبعید شدند. دولت کارگران را مجبور به تسرک اتحادیه های کارگری نم نمود. استاندار خوزستان دستور داد که به اعضای اتحادیه های کارگری کار داده نشود. سازمان خدمات سیاسی (جاسوسی) کمیای نفت برای مقابله با اتحادیه های کارگری دست به تشکیل اتحادیه های "زرد" زد که بطور کامل تابع سیاست های کمیایسی انگلیسی بودند.

دولت قوام در روز ۸ تیر همانسال برای مقابله با جنبش کارگری و چپ و بدستور با بان امپریالیستی حزب به اصطلاح دمکرات ایران را تشکیل داده بود. در تهران و سایر مراکز کارگری دست به تشکیل اتحادیه های "زرد" زد. علاوه بر این دسته های به نام "گروه نجات" تشکیل شد که افراد این دستجات شبه فاشیستی با پشتیبانی کامل دولت و مرجعین به فعالین نهضت کارگری و جنبش دموکراتیک حمله و تعرض می کردند.

ولی کارگران با هم به مقاومت و مبارزه خود ادامه دادند و علی رغم فشارهای بسیار از ورود به احزاب دولتی و اتحادیه های دروغین خود داری نمودند. تداوم مبارزات دلیرانه کارگران نفت در اوچگیری مبارزات کارگری بر ضد استعمار انگلیس در سال ۱۳۲۹ تبلور میابد.



# مساله كردستان و موضع ما (۱) را بطنه جنبش طبقه كارگر و جنبش خلقها

مرکزی در این باره  
بپردازیم و نظرات و  
تحلیل خود را در مورد  
این مسئله ارائه دهیم.  
نخست به انتشار بخشی  
از نوشته ارائه شده به  
پلنوم سازمان که بیانگر  
نظرات مورد مداخله ما  
در پلنوم بود، اقدام  
می‌کنیم و در شماره‌های  
آینده بطور مفصل بسنه

بررسی مسئله کردستان  
و جوهر پورتونستیستی  
نظرات کمیته مرکزی و  
استراتژی و تاکتیک ما  
در قبایل جنبش مقاومت  
خلق کرد می‌پردازیم.  
لازم به توضیح است  
که این نوشته بهنگامی  
در مهر ماه ۱۳۵۸ به پلنوم  
ارائه شد که جنگ دوم  
کردستان و حمله همه‌جانبه  
هیئت حاکمه به نیروهای  
انقلابی و مترقی آغاز  
شده بود. این نوشته که  
بخشی از آن در این شماره

پیروزیهای سهل الوصول  
سودای سرنگونی بلاواسطه  
حاکمیت کنونی را در سر  
می‌پوراند، مرزبندی  
های روشن و مشخص داریم  
عادلانه و بحق بودن  
مبارزات خلق کرد، شرکت  
فعالانه و دفاع از این  
مبارزات را بمناسبت  
وظیفه انقلابیون راستین  
مسجل میسازد. مسئله  
دیگری که اهمیتش کمتر  
از مسئله فوق نیست،  
اینست که شرکت در این  
مبارزات با چه هدفی و با

ناشل آید، باید گفت که  
تاریخ از پیش بر مشی و  
برنامه ما یک متکی بر  
چنین استنباط غیرعلمی  
باشد، مهرشکست کوبیده  
است.  
بدون برقراری  
دموکراسی توده‌ای در  
ایران، خلق کرد بسنه  
خواستهای واقعی خویش  
دست نخواهد یافت.  
سیاستی که تحقق  
خواستهای واقعی خلق  
کرد را در چارچوب محدود  
کردستان ممکن دانستند  
و با طرح شعارهای سرگونی  
جنگ در کردستان را بسنه  
هدف سرنگونی بلاواسطه  
حاکمیت کنونی به پیش  
می‌برد، نمی‌توانند سیاسی  
مبتنی بر تحلیل علمی  
از شرایط عینی و  
استراتژی صحیح باشد.  
هر چند که هدف نهایی

را برگزیده‌اند.  
ما قبلاً "با بررسی علل  
اجتماعی و طبقاتی  
مبارزات خلق کرد نشان  
دادیم که مبارزه و  
مقاومت خلق کرد  
مبارزه‌ای بحق و  
عادلانه است و یگانگ  
سیاست صحیح پرولتری  
در قبایل مبارزات خلق  
کرد، دفاع از این مبارزات،  
شرکت فعالانسه در آن،  
کشانند توده‌ها به عرصه  
عمل انقلابی، سمت‌دهی  
انقلابی و سازمان‌دهی

مبارزات ضد  
امپریالیستیستی -  
دموکراتیک خلقها تحت  
ستم میهن مان هرروز  
عمق و گسترش می‌یابد و  
مبارزات حق طلبانه و  
مقاومت قهرمانانه خلق  
زحمتکش کرد، بمناسبت  
جزئی از مبارزات ضد  
امپریالیستیستی -  
دموکراتیک خلقهای  
سراسر ایران جا بجا  
شایسته‌ای در پیکار  
نیروهای انقلابی کسب  
کرده است.  
موضع‌گیری صحیح و  
اصولی نیروهای مترقی  
و انقلابی در باره این  
مسئله تا ثیرات بنسب  
مهمی در روند مبارزات  
ضد امپریالیستیستی  
توده‌های زحمتکش و طبقه  
کارگر میهن مان برجای  
خواهد گذاشت. این امر  
تعهدات سنگینی بر دوش  
کلیه نیروهای انقلابی و

مبارزه و مقاومت خلق کرد مبارزه‌ای بحق و عادلانه  
است و یگانگ سیاست صحیح پرولتری در قبایل مبارزات  
خلق کرد دفاع از این مبارزات، شرکت فعالانسه در آن،  
کشانند توده‌ها به عرصه عمل انقلابی، سمت‌دهی  
انقلابی و سازمان‌دهی این مبارزات و تبلیغ و ترویج  
دموکراسی پرولتری در بین توده‌های زحمتکش خلق  
کرد است.

سیاستی که تحقق خواسته‌های واقعی خلق کرد را  
در چارچوب محدود کردستان ممکن دانستند و با طرح  
شعارهای سرنگونی جنگ در کردستان را با هدف سرنگونی  
بلاواسطه حاکمیت کنونی به پیش می‌برد، نمی‌توانند  
سیاستی مبتنی بر تحلیل علمی از شرایط عینی و استراتژی  
صحیح باشند.

بجای می‌رسد با توجه به  
زمان کوتاه تهیه آن  
از اختصار و فشرده‌گی  
زیادتی برخوردار است.  
ولی چارچوب نظراتی  
است که ما بعنوان اقلیت  
در پلنوم از آن دفاع  
می‌کردیم. این نوشته  
تنها نظر کتبی و ارائه  
شده به پلنوم نبود.  
پلنوم بعزت آنکه  
هیچکدام از نظرات  
نتوانست اکثریت  
آرا را کسب کند، تصمیم  
گیری روی این مسئله  
را به کمیته مرکزی محول  
نمود. لازم به یادآوریست  
که در پلنوم اکثریت  
کمیته مرکزی از شرکت  
بدون نام در جنگ کردستان  
دفاع می‌نمود و بحث‌ها  
عمدتاً حول شرکت "با  
نام" یا "بی‌نام" در جنگ  
کردستان بود و ما شرکت  
"با نام" در جنگ کردستان  
دفاع می‌کردیم. در آن  
موقع هنوز اپورتونستیم  
راست در سازمان ما به  
آن درجه ارتقا نمانند  
امروز بطور عیان آشکار

کدام شعارها صورت می‌گیرد  
هدف بلاواسطه جنگ در  
کردستان چیست؟ رابطه  
جنگ در کردستان با  
مبارزه توده‌ها در سایر  
مناطق چگونه برقرار  
می‌گردد؟ رابطه جنبش  
سراسری طبقه کارگران  
با مقاومت خلق کرد  
چگونه است؟ رابطه  
شرکت کمونیست‌ها در  
جنگ کردستان با وظیفه  
محوری مرحله‌ای آنها  
یعنی ایجا د حزب طبقه  
کارگر چه نحوی است؟  
رابطه صلح و جنگ چگونه  
است؟ و... و در یک  
کلام استراتژی و تاکتیک  
نیروهای انقلابی چیست؟  
اینها سوالات اساسی  
است که باید بطور  
مشخص به آنها پاسخ  
صریح و روشن داده  
شود. هرگونه طفله‌  
رفتن از پاسخگویی  
مشخص به این مسائل به  
معنای رها کردن مبارزه  
انقلابی و روی برتافتن  
از رهبری انقلابی  
مبارزات توده‌ای است.  
ما پیش از آنکه به  
بررسی نظرات  
اپورتونستیستی کمیته

مبارزات انقلابی خلق کرد  
و خلقهای سراسر ایران  
برقراری دموکراسی  
توده‌ای است.  
در شرایطی که بخش  
وسعی از توده‌ها اعتماد  
نا آگاهانه‌ای به حاکمیت  
داشته و از آن حمایت  
می‌کنند، مبارزه خلق کرد  
قا در به سرنگونی قدرت  
حاکمه نیست و هدف  
بلاواسطه جنگ نمیتواند  
سرنگونی آن باشد.  
ما ضمن آنکه باتمام  
توان خویش ما هیت تسلیم  
طلبانه اپورتونستیم  
راست را در پیشگاه توده  
ها بر ملا می‌سازیم. با این  
قبیل برداشت‌ها و  
گرایشات چپ روانه، که  
بدون تحلیل مشخص از  
اوضاع مشخص کنونی،  
بدون بررسی ترکیب و  
ماهیت طبقاتی قدرت  
حاکمه و موقعیت آن،  
بدون بررسی وضعیت  
توده‌ها و بلاخره بدون  
در نظر گرفتن رابطه  
جنبش خلق کرد با جنبش  
طبقه کارگر و سایر  
خلقهای تحت ستم ایران  
مشله خلق کرد را صرفاً  
در چارچوب کردستان  
از بیایی کرده و آرزوی

این مبارزات و تبلیغ و  
ترویج دمکراتیسم  
پرولتاریائی در بین  
توده‌های زحمتکش خلق  
کرد است. بنا بر این هر  
گاه بعزت یورش نیرو  
های سرکوبگر، مبارزه  
خلق کرد به رودررویی  
آشکار با قدرت حاکمه  
به اشکال مسلحانه  
تکامل یابد، وظیفه  
نیروهای انقلابی است  
که به سازماندهی  
اشکال گوناگون مبارزات  
توده‌های زحمتکش  
و از جمله شکل مسلحانه  
آن بپردازند.  
تحلیل تاریخی -  
مشخص مبارزات ملی و  
طبقاتی خلق کرد نشان  
میدهد که این مبارزه  
جزئی از مبارزه خلقهای  
سراسر ایران و حلقه  
لایتنجائی از آن بوده  
است. هر آینه تصور شود  
که مسئله خلق کرد  
میتواند صرفاً "در قلمرو  
ملی" و صرفاً حول مسائل  
دموکراتیک و تاکتیک و  
منفک و جدا از جنبش  
سایر خلقها و بدون پیوند  
با جنبش متشکل طبقه  
کارگران به پیروزی

مترقی، از جمله سازمان  
ما قرار داده است. بویژه  
آنکه با گرویدن جناح  
اپورتونست سازمان ما  
به خط و مشی حزب توده  
اپورتونست راست  
تلاش همه‌جانبه‌ای برای  
تحریف مضمون اجتماعی  
و طبقاتی مبارزات  
عادلانه خلق کرد و  
تبلیغ فرمیسم و سازش  
طنبقاتی آغاز کرده است.  
آنها میکوشند قدرت  
حاکمه را انقلابی و ضد  
امپریالیستی معرفی  
نموده و با توسل به شعار  
های نظیر "اتحاد حول  
شعار مرگ بر امپریالیسم  
جهانی به سرکردگی امپریالیزم  
آمریکا" و تهی ساختن  
مبارزه ضد امپریالیستی  
از مضمون طبقاتی، خصلت  
ضد امپریالیستیستی  
و دمکراتیک مبارزات  
خلق کرد را انکار نموده  
و آنها را محکوم کنند.  
آنها در حقیقت با روی  
برگرداندن از مشی انقلابی  
و خالی ساختن سنگر  
مبارزه توده‌ها به بند و  
بست با هیئت حاکمه  
پرداخته و آشکارا راه  
ارتداد از مشی پرولتری

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

بینه در صفحه ۶

# رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش

به انکار حقا نیست مبارزات خلق کسود پیردا زد، پس از بلنوم، ما خواستار بحث درونی روی این مسئله میرم و بحث درونی این نوشته شدیم اما "کمیته مرکزی" با این امر مخالفت نمود و پس از مدت‌ها تعلل این نوشته امنیتی تلقی شده و در سطح بسیار محدودی در اختیار اعضاء قرار گرفت و بحث درونی روی این مسئله میرم صورت نگرفت.

این "اقدام" کمیته مرکزی "موردا اعتراض ما قرار گرفت، چرا که بنظر ما مسائل ایدئولوژیک سیاسی بهیچوجه جنبه امنیتی نداشته و میباید در اختیار کلیه حوزهها قرار داده میشد.

امروز پس از غلبی شدن مبارزه ایدئولوژیک و جدائی کامل جناح اپورتونیست سازمان برهبری اکثریت "کمیته مرکزی" از خط و مشی انقلابی، برای روشنتر شدن اختلافات ما و کمیته مرکزی و آغاز مبارزه ایدئولوژیک حول این مسئله میرم و حادانتشار آنرا ضروری تشخیص دادیم. هر چند صحت پیش بینی‌های این نوشتار تحولات بعدی به اثبات رساند، اما به اعتقاد ما در برخی جنبه‌ها اصلاح و تکمیل آن ضروری است و این نوشته برای بیان اختلافات ما و کمیته مرکزی درباره این مسئله میرم نا کافی است، بویژه آنکه با گرویدن آنها به خط و مشی حزب توده این اختلافات بسیار عمیق تر شده است که ما در شماره های آینده به توضیح این اختلافات خواهیم پرداخت.

طرح نیست. حل مساله ملی در ایران در گرو تحقق انقلاب دموکراتیک توده‌ای - ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته در ایران است.

حل مساله ملی تنها با اتحاد کلیه خلقهای ایران در مبارزه علیه دشمن مشترکشان یعنی امپریالیسم، بورژوازی وابسته و رژیم‌های این مناسبات و با پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای امکان پذیر است.

مساله ملی در جامعه ما با مساله طبقاتی پیوند خورده و حل آن از گام اول حل مساله طبقاتی میگردد.

بنابراین حل مساله ملی بدون حل مساله طبقاتی ممکن نیست و حل مسئله طبقاتی در انقلاب

حل مساله ملی تنها با اتحاد کلیه خلقهای ایران در مبارزه علیه دشمن مشترکشان یعنی امپریالیسم، بورژوازی وابسته و رژیم‌های این مناسبات و با پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای امکان پذیر است. مساله ملی در جامعه ما با مساله طبقاتی پیوند خورده و حل آن از گام اول حل مساله طبقاتی می‌گذرد.

دموکراتیک با رهبری طبقه کارگر میسر خواهد شد.

با این مقدمه حال به بررسی رابطه جنبش طبقه کارگر با جنبش خلقها بپردازیم.

درک صحیح از رابطه بین جنبش طبقه کارگر با جنبش رها ئیخوش خلقهای ایران با بیدگر سخن، درک صحیح رابطه بین طبقه کارگر با سایر اقشار و طبقات خلق از اهمیت بسیاری برخوردار است. عدم درک صحیح از چنین رابطه‌ای به دو انحراف از خط مشی اصولی مارکسیستی - لنینیستی منجر میشود یکی عدم توجه به نقش اساسی طبقه کارگر در انقلاب رها ئی بخش و کم بها دادن به آن است، این درک با تکیه بر خلق و اتحاد طبقات و اقشار خلقی در انقلاب دموکراتیک به سیاست مستقل طبقه کارگر و شکل مستقل کم بها میداد،

بقیه از صفحه ۵

و عملاً "نمی‌توانند سیاست مستقل پرولتری را در تمام زمینه‌ها بکار بندند و همواره از منافع خلق بطور کلی صحبت میکنند (که البته بجای خود صحیح است. اقتضای طبقات خلقی در انقلاب دموکراتیک دارای منافع مشترک و اراده واحدی هستند) و توجه ندارد که خلق از اقشار و طبقات مختلف تشکیل شده و دارای منافع طبقاتی یکسان نیستند بلکه تنها در یک مرحله تاریخی و ضرورت‌های تاریخی در تحول دموکراتیک جا می‌ماند منافع اقشار و طبقات خلقی با یکدیگر همسان میگردد و با این ترتیب از منافع واحد خلق و اراده واحد خلق تنها در چار چوب این تحول دموکراتیک میتوان صحبت کرد و خارج از این چارچوب هر طبقه و قشری از منافع حرکت میکند. درک دیگر که پدید آمده است اکونومیستی تا کیست بکجا نرسد بر طبقه کارگر دارد و قداره درک رابطه بین جنبش کارگری و جنبش خلق نیست و ضرورتاً تضاد طبقات و اقشار خلقی را در مرحله انقلاب ما بدرستی درک نکرده است که نتیجه آن عدم توجه به جنبشهای سایر اقشار و طبقات خلقی از جمله جنبش خلقها و بامبارزات دهقانان و سایر زحمتکشان است. این نحوه تفکر از درک رابطه بین وظایف سوسیالیستی و دموکراتیک ناتوان است و با تکیه بر وظایف سوسیالیستی عملاً "وظایف دموکراتیک را فراموش میکنند و از یاد میبرند که کمونیست‌ها بمثابه یک سوسیال دموکرات در طرح و حل هر مساله عمومی باید در پیشاپیش همه باشند و نتیجه آنها روشن است، عدم توجه به مبارزه سیاسی و دورنگهداشتن طبقه کارگر از مبارزه سیاسی و محدود کردن مبارزه طبقه کارگر به مبارزه تریبونستی و سیاست بورژوازی هدف آنها متشکل کردن طبقه کارگر حول سیاست مستقل پرولتاریائی نیست. آنها درک نمیکنند که متشکل کردن طبقه کارگر اگر حول سیاست پرولتاریائی انجام نگردد، این

تشکل هر قدر هم که قوی گردد به تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر منجر نخواهد شد و در حد نهائی، احزاب کارگری اپورتونیستی یا بورژوازی از کار در خواهد آمد. حزب طبقه کارگر محصول تلفیق آگاهی سوسیال دموکراتیک با جنبش خودبخودی طبقه کارگر است، محصول پرورش کارگران با روحیه سوسیال دموکراتیک و انترناسیونالیستی

پرولتاریائی است پس بنهان نگهداشتن آن به چه معنی است؟ تازه، از چه کسی با بیدپنهان نمود؟ مسلماً "ابن نهائی نگاری در برابر توده‌ها نخواهد بود پس آیا در برابر حکومت است؟ یا رژیم سیاست ما را نمی‌داند و نخواهد دانست؟ اگر پاسخ منفی باشد آنوقت با بدگفتگی چنین سیاستی در کردار چون کیکی است که سرش را بر برف فرو برده

سیاست عدم درک صحیح رابطه بین طبقه کارگر با سایر اقشار و طبقات خلق و عدم توجه به نقش اساسی طبقه کارگر در انقلاب رها ئی بخش و کم بها دادن به آن با تکیه بر خلق و اتحاد طبقات و اقشار خلقی در انقلاب دموکراتیک به سیاست مستقل طبقه کارگر و شکل مستقل کم بها میداد و عملاً "نمی‌توانند سیاست مستقل پرولتری را در تمام زمینه‌ها بکار بندند و همواره از منافع خلق بطور کلی صحبت می‌کنند.

باشد. ما به کارگران پیشرو توده‌های کارگر درباره جنگ کردستان چه خواهیم گفت؟ چه راهی زسازی حمایت کارگران از خلق کردپیشنها دخواهیم کرد. با از نظر این رفقا طبقه کارگر وظیفه‌ای در قبال جنبش خلق کرد ندارد؟ اگر چنین است چگونه اصلاً از همزبونی پرولتاریائی صحبت میشود؟ این رفقا تصور میکنند که مساله فقط شرکت کردن یا نکردن رفقای سازمان در جنگ است که آنرا هم مخفیانه میخواهند انجام دهند. (البته منظور کسب بها دادن به شرکتان در جنگ نیست، بجای خود از اهمیت بسیاری برخوردار است) و نمیدانند که مساله مهمتر تعیین وظیفه جنبش کمونیستی و کارگری

است نه با تفکرات کوتاه نظرانه خرده بورژوازی یا دید محدود سندیکالیستی طبقه کارگر باشد با آنچنان روحیه انترناسیونالیستی تربیت شود که در دور افتاده ترین کشورهای جهان در برابر هر هر نوع مبارزه طبقاتی و جنگ‌های عادلانه خلقهای تحت ستم حساس باشد و به حمایت فعال از این جنبش برخیزد. حال زمانی که ما مشاهده میکنیم رفقای ما مدعی هستند که موضع پرولتاریائی و سیاست مستقل پرولتاریائی در قبال جنگ کردستان اتخاذ نشود (این رفقا میگویند مخفیانه در کردستان بجنگیم) آیا حق نداریم این رفقا را کوبه بین بدانیم؟ گپیریم که رفقای از مساند

درک اکونومیستی تا کیست بکجا نرسد بر طبقه کارگر دارد و قداره درک رابطه بین جنبش کارگری و جنبش خلق نیست و ضرورتاً تضاد طبقات و اقشار خلقی را در مرحله انقلاب ما به درستی درک نکرده است که نتیجه آن عدم توجه به جنبشهای سایر اقشار و طبقات خلقی از جمله جنبش خلقها و بامبارزات دهقانان و سایر زحمتکشان است.

کردستان جنگ کردند و در کنار خلق مبارزه را پیش بردند، ولی سیاست پرولتاریائی یا در قبال جنگ کردستان چیست؟ وظیفه طبقه کارگر ایران و عنا صریحش و آگاه آن در قبال این جنگ چیست؟ لابد از نظر این رفقا سکوت و نادیده گرفتن جنگ است (همان سیاست خائسانه ای که حزب توده در پیش گرفته است). اگر شرکت در جنگ سیاست

کردستان جنگ کردند و در کنار خلق مبارزه را پیش بردند، ولی سیاست پرولتاریائی یا در قبال جنگ کردستان چیست؟ وظیفه طبقه کارگر ایران و عنا صریحش و آگاه آن در قبال این جنگ چیست؟ لابد از نظر این رفقا سکوت و نادیده گرفتن جنگ است (همان سیاست خائسانه ای که حزب توده در پیش گرفته است). اگر شرکت در جنگ سیاست



## رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش

بقیه از صفحه ۶

خواهد کرد، این سیاست صحیح پرولتری و توان پیشاهنگ پرولتری در پیشبرد سیاست صحیح و ارائه استراتژی و تاکتیک درست و پیشاهنگ بودن عملی آن در جنبش همگانی خلق است که نیروهای دیگر را چار قبول پیشاهنگی و رهبری پرولتری خواهد نمود.

"خود را بیسی آهنگ" و دسته بیسرو با میدان کم است، - باید عمل هم طوری باشد که همه دسته های دیگر ببینند "و ناگزیر معترف گردند که ما پیشاپیش دیگران میرویم" (لنین چه با یاد کرد)

"نا بر این جنبش پرولتاریائی بدون شرکت فعال در جنبش رها نمی باشد" این جنبش با بدیگر سخن بدون توجه مارکسیست-لنینیست ها به وظایف دموکراتیک شان در قبال جنبش خلق انتظار رتانی رهبری پرولتری در جنبش خلق انتظار عیبت و بیپوده است این رهبری نه یکبار وجود بخودی بلکه در پیروسی و نشان دادن و اثبات شایستگی نیرو های پرولتری در رهبری جنبش بدست خواهد آمد، البته روشن است که نیروهای پرولتری بدون پیوند رگانیک با طبقه کارگر نمیتوانند نماینده توان تاریخی این طبقه باشند تلاش جهت برقراری پیوند رگانیک با طبقه و گسترش این پیوند همواره در صدر برنامه مارکسیست-لنینیست ها قرار دارد. ولی این به معنی بیاد و چینی آنان به جنبش خلق و کنار کشیدن آنها از جنبش عمومی دموکراتیک نمیتواند تلقی شود، چرا که بقول لنین دو وظیفه سیاسی است و دموکراتیک هما ننند و روی یک مدال بیکدیگر مربوطند و انجام این وظیفه هر دو بیکسان برای بسط شعور طبقه تسی پرولتاریا ضروری است. تنها اکنون میست ها هستند که فکر میکنند طبقه کارگر تنها باید به خود و نیروی خودش فکر کند و فی المثل فکر میکند طبقه کارگر بدون اینکه بدانند در گردستان چه میگردند و نقش کارگر آن کردوسایر نیروهای طبقه تسی در گردستان

هستیم، باز گردیم به رشته اصلی سخن یعنی موضوع رابطه جنبش طبقه کارگر با جنبش خلقها. همانطور که گفتیم بدون پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش رها نمی بخش خلقهای ایران یا بطور کلی جنبش همگانی خلق نه از انقلاب دموکراتیک میتوان سخن گفت و نه از نبل به سوسیالیزم و ضرورت های اجتماعی - اقتصادی و تاریخی جامعه ما.

اتحاد طبقه کارگر با سایر اقشار و طبقات خلقی (نیروهای انقلاب) برای تحقق تحسول دموکراتیک جامعه و گذار بدون وقفه آن به سوسیالیزم الزام آور میسازد. حال ببینیم این اتحاد چگونه و بر پایه کدام کدام - میگردد. صورت میگردد طی چه پروسه ای ایجاد میگردد. میدانیم که عالی ترین شکل اتحاد و همکاری نیروهای انقلابی در جبهه واحد خلق امکان پذیر است. جبهه واحد خلق اتحاد آن نیروهای انقلابی است که بنا به ضرورت های معین در مرحله ای از تکامل تاریخی و جهت تحول انقلابی در جامعه تشکیل میگردد. در جامعه ما که ساخت اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری و بسته را دارا است طبقه کارگر نیروی عمده انقلاب را تشکیل میدهد و همان به اقشار مختلف تجزیه شده اند (پرولتاریای روستا، دهقانان فقیر میان حال و مرفه) ستون فقرات این جبهه را اتحاد کارگران با نیمه پرولتاریای روستا تشکیل میدهد. بدون تاین رهبری طبقه کارگر در جبهه واحد با عبارت دیگر بدون تاین همزمنی پرولتاریائی در جنبش متحد خلق پیروزی خلق و برقراری دموکراسی توده ای ممکن نیست. تاین رهبری پرولتری در جنبش خلق نه بطور خود بخود و خود انگیخته بلکه در نتیجه تناسب قوای طبقاتی و شایستگی پیشاهنگ پرولتری در جنبش خلق که انعکاس توان تاریخی پرولتاریاست رهبری پرولتری را بر سایر نیروها تحمیل

هستند و اساسا "سیاست پرولتاریائی را نمی فهمند اگر نمی فهمند که مشکل کردن کارگران حول سیاست مستقل پرولتاریائی با بد انجام گیری و آشکار نیست به مساله گردستان و ارائه سیاست مستقل پرولتاریائی فرار نمی گردند و این همه را هم به اسم توده های بیوای کارگرانجام نمیدانند! خیلی جالب است ارائه سیاست مستقل پرولتاریائی بصورت مخفی و بیسکی میباید که توده های وسیع کارگران از شنیدن آن یعنی آگاه شدنشان از سیاست صحیح پرولتری علیه ما سیخ شوند. چرا که هنوز بعینت نا آگاهی به رهبری اعتماد دارند و این رهبری بنا به ما هیت اش به کشتار خلق کرده دست میزند و چون توده ها بعینت نا آگاهی سیاست های رهبری را تائید میکنند پس نباید در مقابل سیاست اجتماعی موضع بگیریم، چرا که در برابر توده ها قرار میگیریم. این رفقا گفته های لنین را فراموش کرده اند که میگفت: "طبیعی است که ما بهر چه که توده ها میگویند در نمی دهیم چرا که توده ها نیز گاهی و بخصوص هنگام خشکی و خمودگی استثنائی ناشی از زنج و منفت تسلیم احساساتی می شوند که بهیچ وجه پیشرو نیست " آری ما از تلقیات و احساسات ارتجاعی توده های نا آگاه پیروی نخواهیم کرد اگر حتی توده های میلیونی سیاست ارتجاعی سرکوب خلق کرد را تائید کنند. ما دقیقاً "در برابر این تاین تمایلات توده ها قرار نخواهیم گرفت و تنها از این طریق است که خواهیم توانست به آگاه کردن توده ها بپردازیم. اگر چنین نکنیم یعنی آگاهی را بمانده آنتی تیز نا آگاهی توده ها قرار ندهیم به سنتز، توده های آگاه نخواهیم رسید. در این صورت ما به دنیا لرو توده ها و دنیا لرو احساسات و تلقیات ارتجاعی عقب مانده ترین توده ها بدل خواهیم گشت و در این صورت نه پیشاهنگ بلکه پسا هنگ توده ها

چیست و بدون آنکه بدانند وظیفه طبقه کارگر در قبال این مساله چه میباید شد میتوانند واقعاً به کسب آگاهی سوسیال دموکراتیک موفق شود. بنا بر این نه تنها برای پیوند جنبش خلق کرد با جنبش رها تسی بخش بلکه حتی برای بسط شعور طبقه تسی پرولتاریائی نیز باید و مجبوریم موضع صحیح و صریح پرولتاریائی در قبال جنبش کرد را تها دو اعلام کنیم. بدون شرکت مارکسیست-لنینیست

### جنبش پرولتاریائی بدون شرکت فعال در

جنبش رها تسی بخش باید یگر سخن بدون توجه مارکسیست-لنینیست ها به وظایف دموکراتیکشان در قبال جنبش خلق انتظار، تاین رهبری پرولتری در جنبش خلق انتظار عیبت و بیپوده است این رهبری نه یکبار وجود بخودی بلکه در پیروسی و نشان دادن و اثبات شایستگی نیروهای پرولتری در رهبری جنبش بدست خواهد آمد.

ها در جنبش خلق کرد و بدون تلاش مارکسیست-لنینیست ها برای کاتالیزه کردن جنبش خلق کرد در مسیر صحیح و جنبه طبقاتی بخشیدن به این مبارزات میدان عمل برای نیروهای سازشکار بورژوازی و خرده بورژوازی باز خواهد ماند و جنبش خلق کرد به انحراف کشیده خواهد شد و وحدت جنبش خلق کرد با جنبش سراسری خلقهای ایران خدشه دار خواهد گردید. اگر تحلیل مارکسیستی نمیتواند راهنمای عمل ما باشد قیل تجربیات نزدیک ما این درس را خواهد داد، رفقا کاتالیز به جنبش خلق کرد عراق نظری بیافکنند تا بدانند بی عملی نیروهای مارکسیست-لنینیست در عراق و اتحاد سیاست انحرافی از جانب حزب اپورتونیست عراق چگونه ملامطفی با زانی را در راه خلق کرد قرار داد و چه برس خلق کرد عراق آمد و چه خونها تسی به در رفت. رفقا تصور میکنند با کنار کشیدن خود از گردستان مبارزات توده ها و حرکت تاریخ را متوقف میکنند و طبقه کارگر را از درگیر شدن در مساله گردستان کنار میکشند. در حالیکه واقعیات عینی خارج از اراده ما عمل خواهد کرد و طبقه کارگر ایران در سایر مناطق چه ما خواهیم و چه نخواهیم با خلق کرد پیوند دارد.

# رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش

بقیه از صفحه ۷

میزنند، اما از اینکسه کارگران موج، موج در کردستان کشته شوند، خم به ابروی خود نمیاورند آیا این رفقا جدا از توده نیستند؟ این رفقا تصور میکنند که حزب طبقه کارگر را در اطاقهای گرم و نرم ایجاد خواهند کرد نه در عرصه نبرد طبقاتی، این رفقا تشکیل حزب طبقه کارگر را دور نگه داشتند طبقه کارگر از سیاست انقلابی، می خواهند تا مه عمل نباشند. تا این بدترین نوع کونومیس نیست؟ آنها استدلال میکنند که اگر سیاست خودمان را اعلام کنیم چون اکثریت توده های کارگر به حاکمیت اعتماد دارند موضع گیری مابعد تحریک توده ها علیه ما میگردد و در نتیجه از اطراف ما برآکنده میشوند و کار ما مشکل میشود. ما سوال میکنیم، توده های کارگر را برای چه و حول چه سیاسی میخوانیم جمع کنیم، مگر نه این است که ما باید کارگران را حول سیاست مستقل پرولتاریائی متشکل کنیم، و میخواهیم طبقه کارگر را برای نبرد بی امان طبقاتی آماده کنیم، آن کس که تنها به کمیت نیرو توجه کند، بدون آنکه اهداف را روشن کند، مارکسیست-لنینیست نیست، این همان رویزبونیسم برنشتاینی است که میگوید "جنبش همه چیز و هدف هیچ چیز" که لنین آنرا بدترین نسوع اپوزونیسم میشمارد. فقط تعجب میکنیم که این رفقا با چنین درکی چرا از خمینی طرفداری نمیکنند، زیرا آنکه سیاست خود اکثریت پرولتاریا را جلب خواهند کرد البته اشتباه نشود ما معتقد نیستیم که شرایط اگر سخت تر شود بهتر است نه ابدا، هر چه شرایط سهل تر باشد هر چه دموکراسی (حتی در محدوده بورژوازی) وسیع تر باشد بهتر است و طبقه کارگر باید برای کسب (نه گدایی) آزادیهای بورژوازی نیز مبارزه کند چرا که پرولتاریا از این آزادی های برای مشکل شدن بد و مهیاشدن زمینه سرنگونی بورژوازی بهره خواهد

مسلحانه علیه نیروهای مهاجم از طرف توده ها روبه گسترش است. طبق گزارشات رفقای کردستان در شرایط مشخص کنونی هر نیروی سیاسی کسه بخواهد بکار سیاسی در کردستان بپردازد زدن چار از دست زدن به مبارزه مسلحانه است یعنی بدون دست زدن به مبارزه مسلحانه کار سیاسی پایه سازی در میان توده ها عملاً غیر ممکن است. و شکل عمده مبارزه مسلحانه در کردستان فعلاً جنگ پارتیزانی است. با چنین موقعیت عینی و ذهنی که رفقای ما تحلیل کرده اند باید دید هدف از مبارزه مسلحانه در کردستان چیست؟ آیا هدف مرحله ای مبارزه مسلحانه در

( یعنی مبارزه مسلحانه در کردستان ) با تشکیل حزب در چیست؟ مقدمتاً توضیح دهیم که بنظر ما مبارزه مسلحانه شکلی از مبارزه سیاسی است و با بقول لنین ادامه سیاست است بوسایل دیگر مبارزه مسلحانه خود اشکال متنوعی دارد که از آن جمله تاکتیک "تبلیغ مسلحانه" جنگ پارتیزانی، جنگ منظم قیام و غیره و بنا بر شرایط عینی و ذهنی مختلف و موقعیت های معین شکلی از اشکال مبارزه میتواند بکار

جنگ کردستان در شرایط کنونی نمیتواند سرنگونی حاکمیت را هدف بلا واسطه خود قرار دهد و باید ضمن تبلیغ و رویج خواستهای واقعی خلق کرد، خواستهای حداقلی را برای برقراری صلح تنظیم نمود.

گرفته شود. مبارزه مسلحانه میتواند هداف وسیع مانده ها با جهت کسب قدرت سیاسی و یا کسب حاکمیت محلی صورت گیرد، حال بنیبنیم در مرحله کنونی در کردستان مبارزه مسلحانه چه اشکالی میتواند بخود بگیرد و گسترش و تکامل آن چگونه خواهد بود. در کردستان پس از حمله و لشکرکشی ارتجاع و درگیریهای وسیع یک حالت انقلابی حتم فرمات، توده های خلق حاکمیت را نمی پذیرند و آماده اند تا علیه نیروهای مهاجم سلاح بر گرفته و مبارزه کنند. ستگیری نظامی حاکمیت کنونی در کردستان، مقابل نظامی نیروهای سیاسی (حزب دموکرات کوملسه، سازمان و توده های مردم راکسه پس از قیام مواضع دموکراتیک مهمی را کسب کرده بودند موجب شده است. امروز مبارزه مسلحانه در کردستان پس از اشغال شهرها توسط ارتش و پاسداران بصورت درگیری نیروهای مسلح ما با نظامیان و پاسداران مهاجم و حمله های مسلحانه نیروهای سیاسی صورت میگیرد، در مواردی هم بطور خود بخودی حملات

برای سرنگونی حاکمیت کنونی - نداشته باشیم پس استراتژی مرحله ای ما در کردستان بر چه پایه ای استوار خواهد شد؟ بنظر ما این استراتژی نه سرنگونی حاکمیت کنونی بلکه مبارزه مسلحانه برای بسیج و سازماندهی توده ها و افشای ماهیت رژیم، پیشبرد مبارزه طبقاتی، بیرون کردن نیروهای فاشیستی و تشدید توده های هیکت حاکمه و ایجاد پیوند بین جنبش خلق کرد و سایر خلقهای ایران و جنبش طبقه کارگر و ... میتواند باشد. بنظر ما جنگ عملاً تا فراهم شدن اعتلا انقلابی در سایر مناطق در منطقه کردستان محدود خواهد ماند. در این صورت مبارزه مسلحانه در کردستان چه رابطه ای با مبارزه در سایر مناطق دارد؟ آیا ما میتوانیم در زمانیکه تاکتیک مسلحانه را در کردستان بکار میگیریم، تاکتیک های دیگری را در سایر مناطق بکار بگیریم؟ بنظر ما چنین امری نه تنها ممکن بلکه ضروری و اجتناب ناپذیر است. مسلماً نمیتوان در دو منطقه که از لحاظ عینی و ذهنی دارای شرایط یکسانی نیستند تاکتیک های واحدی را انتخاب کرد چرا که هدف از اتخاذ تاکتیک های مختلف در شرایط کنونی بسیج و متشکل کردن توده ها و در درجه اول طبقه کارگر است بنا بر این ناچاریم برای بسیج توده ها و دستیابی به ارتباط ارگانیک سیاسی-شکلاتی با طبقه و توده ها از تاکتیک های مختلف استفاده کنیم اگر ما تاکتیک های مختلفی اتخاذ میکنیم یگانگی تاکتیک پرولتاریا و به خدمت گرفتن این تاکتیک ها را جهت تشکیل سازمان سیاسی سراسری طبقه کارگر چگونه توضیح دهیم؟ بنظر ما آنچه که یگانگی تاکتیک ها را تعیین میکند نه یکسان بودن تاکتیک ها از نظر صوری بلکه بخدمت گرفتن تاکتیک ها در جهت است اهداف و احداث است اگر ما تاکتیک های مختلف را بنحوی بکار بگیریم که در خدمت ایجاد سازمان سراسری و متحد نمودن طبقه کارگر حول سیاست مستقل طبقه کارگر باشد





### رابطه جنبش طبقه کارگر و جنبش ...

ایجاد صف متشکل ومستقل طبقه فرارگیردا گرایین تاکتیک ها جهت پیوند مبارزات طبقه کارگر در کردستان با سایر مناطق و خلق کردبا سایر خلقها فرارگیردا گرایین تاکتیک ها جهت تامین هژمونی پرولتاریائی برجینش رها نمیشخ خلقهای ایران بکار گرفته شود آ نوقت ما یگانگی تاکتیک ها را در جهت اهداف واحدیستی بکار گرفته ایم ، پیچیدگی مساله درست درایین نکته نهفته است که ماناکتیک را چگونه بکار بگیریم که به اهداف فوق برسیم شعارها را چگونه تعیین کنیم که پیوند جنبش خلق کردبا جنبش رهایی بخش خلقهای ایران برقرار کرده و در جهت تامین هژمونیستی پرولتاریائی در جنبش خلق کرد و جنبش خلق بطور کلی حرکت کنیم و چگونه مبارزه ملی خلق کردرا حینه طبقاتی به بخشیم . مبارزه مسلحانه در کردستان از طرف حاکمیت کنونی به خلق کردکردستان تمام حوجهه راجعت تا شیر قرار داده و بمثابه مساله مهم سیاسی در آمده است . تنها یک سازمان سرتاسری میتواند مبارزه خلق کردرا با مبارزات سرتاسری ایران پیوند دهد و رابطه صحیح بین این دو برقرار کند .

#### شعارها و استراتژی

#### مرحله ای ما در کردستان چه میتواند باشد؟

هدف استراتژیک ما برقراری سوسیالیسم و گذار به کمونیسم است و بنا به شرایط تاریخی ، اجتماعی ، اقتصادی - جامعه ما نیز - راری سوسیالیزم ، بدون تحول دموکراتیک جامعه یعنی بدون پیروزی انقلاب دموکراتیک ممکن نیست یعنی در این مرحله از تکامل تاریخی جامعه استراتژی ما تحقق انقلاب دموکراتیک و گذار بدون وقفه به سوسیالیسم است . از آنجا که اعتلا انقلابی در سراسر جامعه موجود نیست باید اهداف مشخصی را که در رابطه با استراتژی مان جنبه

## سیاست یا ایدئولوژی (مسلك)

### سازمانهای انقلابی توده ای (۲)

اینکه مادر شماره قبل گفتیم "سازمانهای توده ایی دارای ایدئولوژی نیستند" ممکنست در عده بی این توهم را ایجاد کند که ما هم معتقدیم که سازمان های توده ای صحنه مبارزه سیاسی جریانهای مختلف (احزاب و سازمانها و گروه های سیاسی) نیست و نباشتی هم بصحنه درگیرهای سیاسی بین این جریانات تبدیل شود و سازمانهای توده ای فقط باستی بمسائل رفاهی و مشکلات اقتصادی توده ها میرد از ندر بروز همین توهم در عده ای دیگر ممکنست بصورت این انحراف تجلی یابد که گویا ما معتقدیم باستی از درگیرهای سیاسی درون سازمانهای توده ای برهیز کرد ، یعنی پرهیز از "مبارزه طبقاتی" را تبلیغ می کنیم و این همان عقیده و مسلکی است که سرمایه داران آن را تبلیغ و ترویج می کنند تا منافعشان هر چه بیشتر تامین شود .

باین عده پاسخ میدهم که درست است که ما از غیر مسلکی بودن سازمانهای انقلابی توده ای دفاع می کنیم و علیه آن جریانهای سیاسی که خواهند این سازمانها را مسلکی کنند و آنها را سازمان هوااران نامند و یا حتی بزور سرنیزه هم که شده بر آنها نام عقیده و مذهب خود را بگذارند ، ندید ما مبارزه خواهیم کرد . اما از طرف دیگر نیز با تمام قوا خواهیم کوشید تا سیاست (توجه کنید سیاست و نه مسلک

ایدئولوژی) خود را به پیش بریم و ابتدا "هم از - بروز اختلافات سیاسی درون این سازمانها و حشنتی نداریم و آنرا در رشد آگاهی توده ها موثر میدانیم و با تمام قوا در مقابل سازشکاران و مبلغین فرصت طلب مخالف مبارزه سیاسی سازمان انقلابی توده های ایستیم و آن را نیز افشای کنیم . مسئله را بیشتر بشکافیم : در مورد اول مبارزه ما علیه این عملکرد حزب جمهوری اسلامی است که میکوشد با توسل بانواع و اقسام حیلها ، دسیسه ها و توطئه ها و با استفاده از کلیه سازمانهای سرکوبگر دولتی و غیر دولتی بر سازمانهای انقلابی توده ای مهر مکنی و غیر مکنی بکوبد و بدینوسیله با استفاده از ناآگاهی توده های کارگر و اعتقادات آنان اتحاد طبقاتی کارگران را مخدوش ساخته تفرقه وجدائی را در میان آنها دمیزند و آنرا ابزار پیشبرد اهداف ضد انقلابی خود کند . خصوصاً امروزه حزب جمهوری اسلامی در پوشش گسترش انقلاب فرهنگي بکار خانات ، همان سیاستی را تبلیغ می کند که در دانشگاه ها پیاده کرد . این حزب میکوشد در پوشش اسلام مبارزات سیاسی و حتی اقتصادی کارگران را مهار کند و امکان فعالیت را از نیروهای مترقی و انقلابی بکلی بگیرد . البته در این مبارزه ما علاوه بر افشای پیگیری علیه آن حزب خواهیم کوشید تا تا تربیت

موریتیکه خلق کردکا ملا" سرکوب نشود مبارزه مسلحانه کردستان تا ایجاد اعتلا انقلابی و زمینه گسترش مبارزه مسلحانه در سرتاسر ایران ادامه یابد . بهر حال آنچه در اینجا اساسی است آنست که ما در مرحله کنونی هدف سرتگونی حاکمیت را نداشته ، بلکه تحقق اهداف مشخص وکسب پیروزیهای سیاسی مورد نظر است . باید در پروسه این مبارزه برنا مة انقلاب وسیعاً "در میان کارگران دهقانان و زمینکشان تبلیغ شود و با تکیه بر خرابیهای طبقاتی در میان کارگران و زمینکشان و دهقانان بوی مبارزه در کردستان جنبه طبقاتی به مبارزه داده شود .

قیام باشد (از قبیلهای تضمین آرادیه های دموکراتیک ، آزادن فعالیت سازمانهای سیاسی ، قانونی کردن شوراها و حق خود مختاری برای کردستان ، زمین برای دهقانان و ... باشد) این چنین ملجی که ما آنرا صلح دموکراتیک مینامیم (یعنی صلح با تضمین حقوق دموکراتیک) بویژه در مناطقی غیر از کردستان برد تبلیغی بسیار دارد این بدان معنی است که جنبش خلق کرد در شرایط کنونی تنها میتواند در برخی پیروزیهای سیاسی (یعنی صلح دموکراتیک) را بدست آورد ، در شرایط کنونی ما ضمن مبارزه مسلحانه در کردستان در سایر مناطق به مبارزات سیاسی در

سایر مناطق حمایت سیاسی از خلق کرد را به اشکال سیاسی مختلف در دستور قرار خواهیم داد ، اگر بتوانیم مبارزه را درست پیش ببریم تناسب عینی قوای طبقاتی به نفع خلق دگرگون شود ، احتمال است که حاکمیت تن به عقب نشینی دهد و صلح دموکراتیک را به پذیرد که یک پیروزی سیاسی بسیار مهم برای خلق بشمار خواهد آمد در آن صورت در فضای دموکراتیک که به نیروی توده ها بر حاکمیت تحمل شده است زمینه مناسب جهت متشکل کردن طبقه کارگر و سایر توده ها ایجاد خواهد شد . شق دیگر آنستکه رژیم تن به عقب نشینی ندهد و همچنان به سرکوب ادامه دهد که در آن صورت در



مبارزه ضد امپریالیستی

بقیه از صفحه ۱

یکی از مهمترین مسائل که جنبش کمونیستی ایران با آن روبروست مسئله رابطه مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای دموکراسی و پیوند این دو مبارزه در راه سوسیالیسم است. در دوران تاریخی کنونی و در شرایط مشخص جامعه ایران مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم جدا نشدنی است. این مبارزه برای رهایی دموکراسی و سوسیالیسم جدا نشدنی است. به پیوند این دو جنبه نیست که مراحل مابین و ضروری گذار به سوسیالیسم را نادیده انگاریم. بویژه در کشورهای تحت سلطه گذار به سوسیالیسم بدون برقراری دموکراسی توده‌های و رهایی از بند امپریالیسم میسر نیست.

مبارزه برای دموکراسی در کشورهای تحت سلطه مبارزه است علیه سلطه امپریالیسم چرا که استمگرای ملی و ارتجاع سیاسی به عنوان اساسی ترین خصلت سیاسی امپریالیسم به معنای پدیدهای بین‌المللی عمل میکند. "امپریالیسم هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی تا قبل به نقض دموکراسی و برقرار ساختن ارتجاع دارد. به این معنی امپریالیسم بطور غیر قابل انکاری "نفی" دموکراسی بطور عام، هر نوع دموکراسی است (لنین کارگری توری از مارکسیسم) از هنگامیکه مناسبات سرمایه داری وابسته در جامعه ما تسلط گردیده است. بورژوازی وابسته به منابع یا گاه اقتصادی-اجتماعی امپریالیسم به طبقه مسلط بدل شده است بورژوازی وابسته به علت پیوند ارگانیکش با سرمایه‌های مالی، چسب در سیاست خارجی و وجهه در سیاست داخلی تا قبل به نقض دموکراسی و برقراری ارتجاع سیاسی دارد. خصلت سیاسی بورژوازی وابسته نفی هرگونه دموکراسی است بنا بر این مبارزه برای دموکراسی از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته تفکیک ناپذیر است.

مبارزه برای دموکراسی جزئی از مبارزه پرولتاریا برای سوسیالیسم می‌باشد. طبقه کارگر هر چند در مبارزه برای سوسیالیسم تنهاست، اما در مبارزه برای دموکراسی سایر اقشار و طبقات تحت ستم نیز یاری و همراهی می‌کند و متحدین طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک تشکیل می‌دهند. لکن مبارزه متحد و مشترک طبقات و اقشار انقلابی برای رهایی دموکراسی به مفهوم مخدوش کردن مرز بین مبارزه پرولتاریا و سایر نیروهای

اجتماعی برای دموکراسی و نادیده گرفتن و متمایز ساختن دموکراسی پرولتاریائی از دموکراسی خرده بورژوازی نخواهد بود. پرولتاریا با دفاع از دموکراسی پرولتاریائی صف خود را از دموکراسی خرده بورژوازی و لیبرالیسم بورژوازی متمایز می‌سازد. بخشی از نمایندگان بورژوازی متناسب که تقاضای عدم شرکت فعال در مبارزات دموکراتیک و نفی این مبارزات عملاً به معنای خالی نمودن صحنه برای "لیبرالها" است. اپورتونیست‌ها چنین تصور می‌کنند که گویا مبارزه طبقه کارگر برای دموکراسی ویرانگر مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای سوسیالیسم "منحرف" می‌سازد. حال آنکه برخلاف درک انحرافی آنان، لنین بر ضرورت مبارزه طبقه کارگر به روشن‌ترین وجهی تأکید کرده و می‌گوید:

"انقلاب سوسیالیستی یک عمل و نبرد منفرد در جنبه‌های منفرد نیست، بلکه دوره‌های از گشایش‌های حاد طبقاتی و یک سری نبردهای طولانی در کلیه جنبه‌ها می‌باشد یعنی نبرد هائی حول تمام مسائل اقتصادی و سیاسی که تنها با سلب مالکیت از بورژوازی می‌توانند پایان گیرد. اشتباه محض خواهد بود اگر تصور کنیم که مبارزه برای دموکراسی خواهد توانست پرولتاریا را از انقلاب سوسیالیستی منحرف سازد، یا آنرا گمراه ساخته و تحت الشعاع قرار دهد و غیره... بالعکس همانطور که سوسیالیسم بدون ارائه کامل دموکراسی نمیتواند پیروز گردد، پرولتاریا هم قادر نخواهد بود بدون دست زدن به یک مبارزه همه جانبه، پیگیر انقلابی برای دموکراسی خود را در جهت غلبه بر بورژوازی تجهیز نماید" (لنین انقلاب سوسیالیستی و حق ملل در تعیین سرنوشت خویش)

بنابراین مبارزه برای دموکراسی نه تنها از نقطه نظر رهبری سایر اقشار و طبقات تحت ستم در مبارزه دموکراتیک و ستم دموکراتیک و ستم انقلابی دادن ارتقاء این مبارزات در جهت برقراری دموکراسی توده‌ای ضروری است بلکه همچنین به لحاظ تجهیز پرولتاریا جهت غلبه بر بورژوازی، پرولتاریا باید مبارزه همه جانبه، پیگیر و انقلابی برای دموکراسی را پیش برد. چنین مبارزه‌ای در شرایط کنونی جهت تربیت و تشکیل پرولتاریا و آگاه برداشتن در جهت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر ضروری و حتمی است. اپورتونیست‌های "کمپت" مرکزی به پیروی از مشی حزب توده و با خط بطلان کشیدن بر اصول لنینیسم، بدون درک

می‌کنند تا با سوءاستفاده از تمایلات و خواسته‌های دموکراتیک توده‌ها و با انحراف کشاندن مبارزات آنان و حمله گویا به آن شده و تعمیق این مبارزات امتیازات بیشتری در قدرت سیاسی کسب کنند و بنا بر این ضروری است که طبقه کارگر با دفاع از دموکراسی پرولتاریائی به افشای ماهیت ضد انقلابی و دروغ‌بین "آزادیخواهی" آنان برخیزد. عدم شرکت فعال در مبارزات دموکراتیک و نفی این مبارزات عملاً به معنای خالی نمودن صحنه برای "لیبرالها" است. اپورتونیست‌ها چنین تصور می‌کنند که گویا مبارزه طبقه کارگر برای دموکراسی ویرانگر مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای سوسیالیسم "منحرف" می‌سازد. حال آنکه برخلاف درک انحرافی آنان، لنین بر ضرورت مبارزه طبقه کارگر به روشن‌ترین وجهی تأکید کرده و می‌گوید:

"انقلاب سوسیالیستی یک عمل و نبرد منفرد در جنبه‌های منفرد نیست، بلکه دوره‌های از گشایش‌های حاد طبقاتی و یک سری نبردهای طولانی در کلیه جنبه‌ها می‌باشد یعنی نبرد هائی حول تمام مسائل اقتصادی و سیاسی که تنها با سلب مالکیت از بورژوازی می‌توانند پایان گیرد. اشتباه محض خواهد بود اگر تصور کنیم که مبارزه برای دموکراسی خواهد توانست پرولتاریا را از انقلاب سوسیالیستی منحرف سازد، یا آنرا گمراه ساخته و تحت الشعاع قرار دهد و غیره... بالعکس همانطور که سوسیالیسم بدون ارائه کامل دموکراسی نمیتواند پیروز گردد، پرولتاریا هم قادر نخواهد بود بدون دست زدن به یک مبارزه همه جانبه، پیگیر انقلابی برای دموکراسی خود را در جهت غلبه بر بورژوازی تجهیز نماید" (لنین انقلاب سوسیالیستی و حق ملل در تعیین سرنوشت خویش)

بنابراین مبارزه برای دموکراسی نه تنها از نقطه نظر رهبری سایر اقشار و طبقات تحت ستم در مبارزه دموکراتیک و ستم دموکراتیک و ستم انقلابی دادن ارتقاء این مبارزات در جهت برقراری دموکراسی توده‌ای ضروری است بلکه همچنین به لحاظ تجهیز پرولتاریا جهت غلبه بر بورژوازی، پرولتاریا باید مبارزه همه جانبه، پیگیر و انقلابی برای دموکراسی را پیش برد. چنین مبارزه‌ای در شرایط کنونی جهت تربیت و تشکیل پرولتاریا و آگاه برداشتن در جهت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر ضروری و حتمی است. اپورتونیست‌های "کمپت" مرکزی به پیروی از مشی حزب توده و با خط بطلان کشیدن بر اصول لنینیسم، بدون درک

خصلت اساسی امپریالیسم به نفی مبارزات دموکراتیک توده‌های زحمتکش و خلقهای تحت ستم پرداختن و از خلقهای تحت ستم کرد، ترکمن، و... از کارگران، دهقانان و زحمتکشان... میخواهند که برای تحقق خواسته‌های دموکراتیک‌شان به مبارزه انقلابی نپردازند. شایسته مبارزه ضد امپریالیستی تضعیف نشود.

روزنامه مردم‌ارگان حزب توده بی‌شرمی را تا بدان پایه می‌رساند که مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و خواسته‌های دموکراتیک را توطئه امپریالیسم می‌نامد و می‌نویسد: "اعتصاب، تحصن، توطئه" امریکاست. و اپورتونیست‌های نوپای کمیته مرکزی نیز طوطی وار حرف آنها را تکرار می‌کنند. اپورتونیست‌ها بدون درک ماهیت و خصلت اساسی امپریالیسم و بورژوازی وابسته و بدون درک مباهله و توطئه طبقاتی مبارزه ضد امپریالیستی، این مبارزه را به سطح مبارزه علیه ایادی مزدور امپریالیسم که مشغول توطئه علیه مردم ایرانند، تنزل می‌دهند.

اپورتونیست‌ها با تحریف ماهیت طبقاتی و خصلت قدرت حاکمه در کشور از سویی ماهیت طبقاتی حاکمیت کنونی را خرده بورژوازی و خصلت آنرا دموکراسی انقلابی ارزیابی می‌کنند و از سویی دیگری ببینند که واقعات عینی و بی‌ارتیک روز مره، هر روز خط بطلان بر نظریات آنها میکشد. لذا مجبورند برای توجیه نظریات خویش به تحریف تئوری‌های مارکسیستی-لنینیستی بپردازند. و مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه برای دموکراسی جدا سازند تا بتوانند توده‌ها را فریب دهند و آنها را بگویند اگر حاکمیت خرده بورژوازی کنونی حقوق دموکراتیک خلقهای تحت ستم کرد، ترکمن و... را انکار می‌کند و جنبش حق طلبانه تا نابود قهر امپریالیسم می‌نماید، اگر مبارزات کارگران و دهقانان و زحمتکشان و اقتضای مبارزه برای دموکراسی را بپذیرند، اگر سازمانهای انقلابی را تحت فشار قرار داده و نشریات آنان را توقیف کرده و انقلابیون را دستگیر و زندانی می‌کند، اگر آزادیهای سیاسی را محدود می‌کند، اگر به شوراها و واقعیات انقلابی سیاسی را محدود می‌کند، اگر با اقدامات مخالف و مستقیم توده‌ها به مخالفت برمیخیزد، اگر در مدت یکسال و نیم بجز فرقه‌های بورژوازی در جهت حل مسئله زمین حرکتی نکرده است، اگر از سرمایه داران و زمینداران دفاع کرده است، اگر به ساز سازی سیستم سرمایه داری وابسته پرداخته است و... و خلاصه اگر به نقض آشکار حقوق و آزادیهای دموکراتیک اقدام

نموده است و حتی با لفظ دموکراتیک نبرد دشمنی می‌برد، غیر غم هماینها حکومتی است انقلابی و ضد امپریالیست و خصلت آن دموکراسی انقلابی است. چرا که مبارزه ضد امپریالیستی ربطی به مبارزه برای دموکراسی ندارد و این حکومت از آنجا که با امپریالیسم تضادهائی دارد خصلت آن دموکراسی انقلابی است. و اگر کارگران و زحمتکشان علیه نقض حقوق دموکراتیک‌شان مبارزه کنند، توطئه امریکاست و اگر پیرویهائی به دفاع از دموکراسی پرولتاریائی بر بخش نمایندگان آنها ایادی امپریالیسم همسر هستند و عملاً به امپریالیسم "خدمت" میکنند.

اپورتونیست‌ها که درک‌شان از دموکراسی که همان درک بورژوازی لیبرالی از دموکراسی است، تصویری کند مبارزه برای دموکراسی پرولتاریائی "خدمت" به امپریالیسم است و قادر به درک این مسئله نیستند که "آزادیخواهی" ظاهری نمایندگان بورژوازی هدفش خدمت به امپریالیسم و دموکراسی پیگیر پرولتاریائی هدفش نابودی امپریالیسم است.

بررسی علمی اقدامات، عملکردها و سیاست‌های هیئت حاکمه در طول یکسال و نیم بروشنی آشکار می‌سازد که خصلت اساسی این حکومت نه دموکراسی انقلابی بلکه نقض دموکراسی و خصلت تحت ستم است. و قدرت دولتی بطور عمده در دست بورژوازی متوسط قرار دارد و خصلت سیاست‌های هیئت حاکمه که نه انقلابی است و نه دموکراتیک، در انطباق با ماهیت و خصلت بورژوازی متوسط می‌باشد. و این کارگران و زحمتکشان در تجربه روزمره خویش هر روز بیشتر درمی‌یابند حال بگذارد اپورتونیست‌ها سرگونیان خلق کرد و ترکمن و... استوکوبگران کارگزار و دهقانان و زحمتکشان، توقیف کنندگان نشریات سازمانهای انقلابی و اعدام کنندگان انقلابیون را! "دمکراتیک" انقلابی؟! بنامند و توده‌ها را به دست شستن از مبارزات دموکراتیک و تبعیت از قدرت حاکمه فرایخوانند و خصلت حکومت کنونی را دموکراسی انقلابی بدانند و از امکان تحول این "دمکراسی" به "سوسیالیسم" دم بزنند و وظیفه نیروهای مارکسیست-لنینیست انقلابی است که ضمن افشای ماهیت ضد انقلابی "آزادیخواهان" دروغین که ماسک لیبرالیسم بجهت زده‌اند، دفاع از دموکراسی پرولتاریائی برخاسته و بر سر مبارزه برای رهایی دموکراسی و سوسیالیسم را در سنگر زحمتکشان برافرازند.

هفته گذشته شهردار تهران طی اطلاعیهای ۴۸ ساعت به دهکداران مهلت داد تا بساط خود را برچینند و آقای شهردار را در امر "زیباسازی" شهر موفق گردانند.

اقدام شهردار جمهوری اسلامی، مردم زحمتکش ما را به یاد اقدامات نیک بی معدوم شهردار رژیم شاه انداخت که چگونه او هم گهگاه با صرف هزینه های هنگفت که از مردم زحمتکش ما بفرات میرفت و از طریق ضرب و جرح بساطی های کنسار خیابان به فکر ایجاد مناظر دلپذیر، در شمال شهر میفتاد و این هرگز برای مردم جنوب شهر نیز دست تابیند چگونه مردم محروم ما در بین زباله ها و لجن و تعفن ناشی از آن، به زندگی سراسر سنج و مشقت خود مشغولند، او نیز باین راه که نمیکرد که زیبایی بالایی شهر مهمتر است یا تامین بهداشت و سلامت پائین شهروان همه مهمتر است که او نیز قادر به درک ریشه و علل اصلی دهکداری و نازیبایی شهر نبود اما نکته مهم که زیبایی سازی آقای شهردار انقلابی در شرایطی می خواهد صورت بگیرد که موج گرانی و بیکاری بیداد میکند و کارگران و زحمتکشان زیر بار هزینه های طاقت فرسای زندگی گمراه شده اند. اتحادیه دهکده داران خیابان مصدق بدنیا نیل نمایان شهرداری به زیباسازی، تهران بیایه کونکوتاهی منتشر کرد و در آن بدستی زیبایی شته و گرسنگی مردم را جلوه چشم شهرداری نهاد آنها میگویند.

شهردار تهران به زیبایی شهر بیشتر اهمیت میدهد تا به سیر کردن شکم زن و جبهه ما دهکداران و دست فروشان کنار خیابان، رژیم جمهوری اسلامی زشتی خیابانها و دهکده های بیبند اما برجسته زشت بیگاری میلیونها نفر که عامل اصلی پیدایش ناگهانی دهکده ها است سرپوش میگذارد.

امام جمعه تهران نیز دلیل برچیدن دهکده ها را وجوه فساد و فحشاء از جانب دهکده داران اعلام نمود ایشان بدینسان بیانات سرایا عوام فریبانه اش، کوشید تا او نمود کند در شرایطی که ایجاد کار براجتی از سوی دولت امکان پذیر است پس چگونه است که عده های با ایجاد دهکده بساط در کنار خیابان به دایر کردن مراکز فساد پرداخته اند، اما چرا آقای خامنه ای که خود بخوبی از بحران بیگاری و مشکلات کارگران بیگارا با خبر است، چنین بیشرمانه مدعی وجود کار

### در پی اخطار برچیدن دهکده ها

## مبارزات دهکده داران به خون کشیده شد

وتوطئه دهکده داران میشود. دشمنی امام جمعه تهران تا کنون بارها و بارها بساط کتا بفروشان کنار خیابان آشکار شده و مقصود ایشان از عاملین فساد در بین دهکده داران کسی جز کتا بفروشان که سهم زیادی در آگاهی مردم داشته اند، نمی باشد. چرا که این دسته از جوانان زحمتکش، با وجود شرایط فشار و اختناق، زیر سر حملات مداوم گروه های فشار و دستجات چماق دار و با وجود تحمل خسارات هنگفت و با تامین حداقل نیازهای زندگی خانواده گیشان، کوشش کرده اند تا هر چه بیشتر بار آزاردهنده های خود به آگاهی مردم باری رسانند. به همین جهت، پاکسازی، و زیباسازی، شهردار ابتدا از کتا بفروشان کنار خیابان آغاز میگردد و این مراکز "فساد"، زیر ضرب چماق داران و پاسداران قرار میگردد.

اما این بار، اخطار شهردار بستگی به زندگی دهکده داران داشت و مسلماً این بود متفاوت با حمله چماق داران و از بین رفتن سرمایه، مبارزات متحد و مشکل سرمایه میبارزات متحد و مشکل دهکده داران آغاز گشت و اتحادیه دهکده داران آغاز گشت اتحادیه کتا بفروشان کنار خیابان و دهکده داران خیابان مصدق و... طی اطلاعیه هایی به دولت اخطار کردند فقط در صورتی حاضر

به جمع آوری بساط خود خواهند شد که دولت هر چه زود تر برایشان کار ایجاد کند. در غیر این صورت تا پای جان مقاومت خواهند کرد. در همین رابطه دهکده داران بعد از ظهر روز ۱۷ تیر ماه جهت اعتراض به برچیدن دهکده های ایشان دست به یک راه پیمائی زدند (ارتباط مع فاطمی مصدق تا سسه راه جمهوری) در انتهای مسیر یکی از آنان طی سخنرانی خود از دولت خواست چنانچه مایل به رفع بیگاری است، بدون تکرار وعده های پوچ به استخدام فوری دهکده داران بپردازد، تا آنها مجبور نباشند برای تامین معارج زندگی بخور و نمیر خود در سرا و گورما در کنار خیابانها بسر ببرند. سخنران اعلام داشت که با وجود بیگاری نمیتوان اصرار معاش کرد، و اعتیاد و فساد خود نیز بدلیل بیگاری در بین جوانان است اما خواهشهای دهکده داران همچنان بی جواب

### دهکده داران از شهردار میبرسند:

## مردم از گرسنگی بستوه آمده اند یا از دهکده داران کنار خیابان؟

داران و بساطی های کنار خیابان تهران انجام بگیرد. بتدریج بر تعداد اجتماع کنندگان افزوده میشود در همین حین، پاسداران و کیمته چی ها

ماند و اخطارهای مسئولین تکرار شد. تا روز پنجشنبه مجدداً دهکده داران بطرف دفتر رئیس جمهور راه پیمائی کردند تا خواستهایشان را با او مطرح کنند اما رئیس جمهور نتوانست در جمع آنان حاضر شود. دهکده داران دست از اعتراض و مبارزه برنداشتند و بطرف شهرداری در خیابان دکتر فاطمی حرکت کردند، در طول حرکت آرام خود با طرح شعارهای اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار- کار، کار حق مسلم است، بیگاری، حاصل وابستگی ایجاد کرد، برچیدن دهکده ها، بدون ایجاد محکوم باید گرسنگی و... خواستهای خود را به اطلاع مردم میرسانند. آنها جلوس شهرداری جمع شدند و با قرائت قطعنامه های، خواست های خود را بیابان داشتند:

- ۱- ما خواستار لغو دستور جمع کردن دهکده ها و بساطی ها از طرف دولت هستیم.
- ۲- ما در صورت ایجاد کار تولیدی در جامعه را با اقدام به برچیدن دهکده ها میکنیم.
- ۳- ما با ایمان به توطئه بودن این جریان (تخریب دهکده ها) از کلیه مقامات مسئول دبیغ در این جریان دعوت به مناظره، تلویزیونی برای اثبات ادعای خود می کنیم، و آگاهانه این جریان را توطئه ای علیه جمهوری اسلامی میدانیم.
- ۴- ما تا بر آوردن خواستهای به حق خود به خصوص بند ۳ پستادگی میکنیم و از مردم مبارزتهایمان میخواهیم ما را یاری نمایند و قضاوت را در این مورد به عهده مردم قهرمان ایران می گذاریم. کلیه اقدامات باید با نظر شورای سراسری دهکده

آب میوه گیری یا مقداری ظرف و گل مصنوعی است، معتقدیم که ریشه همه این مسائل در مشکلات اقتصادی، در بیگاری، در دفاع از سرمایه داران است، راه حل مشکل ایجاد کار دائم برای همه مردم، تامین زندگی مناسب و شرایط رفاهی حداقل برای توده ها است.

اتحادیه صنفی کتا بفروشان کنار خیابان در رابطه با همین اقدام شهردار، در ۱۷ تیر نامه سرگشاده ای به شهرداری نوشت و ضمن آن نظریات خود را باین ترتیب بیان داشت:

۱- با توجه به بیگاری روز افزونی که در جامعه وجود دارد و هر روز بر توده های کارگران افزوده میشود، آیا آقای شهردار با این عمل انقلابی؟! خود میخواهد چه چیزی را تأسیس کند؟ (مگر تیرا ز این است که با این عمل بر تعداد بیگاران

سید محمد باستانی یکی از شهدای کشاورز دهکده داران در خیابان دکتر فاطمی تهران، او در سال ۷۷ جزو سربازانی بود که برای ادگان مهاباد فرار کرد تا نصف مردم بیبوسند، هنگام فرار دستگیر شد و مدتی در زندان آریامهر بود تا با پیروزی قیام شکوهمند و خنیم بهمن آزاد شد. او که بعد از قیام بیگاری بود برای گذران زندگی و نجات از بیگاری به دستفروشی پرداخت و وز دهم خیر ماه جلو شهرداری تهران در تظاهرات حق طلبانه دهکده داران توسط گلوه های پاسداران به شهادت رسید.



و نیروهای شهریاتی نیز بطرف این منطقه گسیل شدند و به این ترتیب دهکده داران زحمتکش در محاصره نیروهای انتظامی دولت جمهوری اسلامی درآمدند. نیروهای انتظامی از دهکده داران میخواستند متفرق شوند و آنها خواستار پاسخ و رسیدگی به کارشان بودند. با فرار رسیدن شب تیراندازی آغاز شد. در جریان مقاومت دهکده داران زحمتکش در مقابل حملات و تهاجمات پاسداران مسلح تعدادی از دهکده داران شهید و زخمی و گروه زیادی نیز دستگیر و بازداشت شدند و بار دیگر دولت جمهوری اسلامی لکه یننگ دیگری را در سرکوب زحمتکش میهنمان بردارد اما خود بر جای گذاشت و مساله دهکده داران همچنان حل نشده باقی ماند. ماضی محکوم کردن حمله و یورش به زحمتکشانی که تنها سرمایه شان چند دست لباس یا یک ماشین کتاب یا یک دستگاه

افزوده همیشه بود؟) ما بارها اعلام کرده ایم که در رابطه با این مسائل باید دنبال علل اساسی بگردیم، اما علل اساسی در این مورد چه می تواند باشد. از نظر بیگاران تامین کار تولیدی برای این افراد، در اینجا سؤال میکنیم، آیا اگر در یک جامعه ای کار وجود داشته باشد باز این افراد مجبورند که به این کارها روی آورند، و هر روز شاهد درگیریهای وافر با چماق داران باشند یا به فکر تولید در جامعه.

۲- آقای شهردار در این رابطه بارها به مسئله سد معبر و ایجاد مزاحمت برای دیگران اشاره کرده اند در اینجا ما از آقای شهردار سؤال میکنیم، آیا مردم (همان مردمی که واسطه قرار میدهد) از بیگاری و فقر و گرسنگی به تنگ آمده اند، یا از بساطی

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات  
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

### حجاب اجباری

### تحت عنوان مبارزه با فرهنگ امپریالیستی

### تحریکات پاسداران و شهادت انقلابیون

مبارزه با فرهنگ امپریالیستی زمانی میتواند، تحقق یابد که با یک درگویی زور در ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه و در هم کوبیدن مناسبات سرمایه داری و ایستادگی سرمایه داری در برابر صورت از انقلاب فرهنگی گشتار دانشجویان مبارز دانشگاهها، از "پاکسازی اداری" عمدتا "اخراج نیروهای مترقی و انقلابی" از مبارزه با فرهنگ امپریالیستی "حجاب اجباری، نتیجه می شود.

تجدید نیست که فرهنگی محصول شرایط اقتصادی - اجتماعی خاصی و از نتایج آن مناسبات تولید است که در جامعه حاکم است گسترش مناسبات سرمایه داری نیز در جامعه ما همراه خود آن فرهنگ منحل را پیدا کرده است که ویژگی خاصی دارد و سرمایه داری، جامعه سرمایه داری زنی را یک برده و بیگ کندید می کند، زمینه های رشد و شکوفائی اجتماعی آنها را از بین می برد و شخصیت زنان را لگد مال می کند. زنان زحمتکش در جوامع سرمایه داری زیر دست ترین فشارهای این جامعه هستند و بنابراین همیشه سرمایه داری بویژه در مورد زنان اعمال میسود، دوشادوش مردان علیه سرمایه داری مبارزه کرده اند. زنان زحمتکش میهن مانیز، همانند تمامی زنان زحمتکش جوامع سرمایه داری و تحت سلطه، همیشه در مبارزه علیه سنگریهایی که در جامعه سرمایه داری بویژه در مورد زنان اعمال میسود، دوشادوش مردان علیه سرمایه داری مبارزه کرده اند. شرکت زنان در مبارزات ضد امپریالیستی - ضد دیکراتیک خلقیهای میهنمان، خودی می یابند و تقویت و الای آنها در این مبارزات بوده است. از مبارزات

در خان که دشمن آنها بگذرد و روزهای قبل را قیام را بخاطر آوریم که زنان با شرکت در منبک ها، نظهرات، برائتی سترگهای خیابانی، و مقابله و درووی با ارتش مزدور و کلا ارگانهای سرکوب رژیم، حماسه ها آفریدند و نقش بسزای ارزنده ای ایفا کردند.

زنان زحمتکش میهن ما در این مبارزات خواهان رفع کلیه مظاهر ستمگری و ناسودی ستمی بودند که طی سالیان دراز آنها را به بردگانه تبدیل کرده بود، که ویژگی هر نظام کارمندان جز آنست که بر فشار فقر و تنگدستی خانواده ها افزوده است.

حزب جمهوری اسلامی که می گوشت زنان را از غرض تولید و فعالیتها اجتماعی و سیاسی دور سازد، با آنها، بر احساسات مذهبی بودها سیاسی دارد که حجاب اجباری را قدمی در جهت مبارزه با فرهنگ امپریالیستی جلوه دهد، حزب جمهوری اسلامی چنین وانمود می کند که کویا یکی از علل ناسامانی موجودی حجابی زنان است و اصطلاح مبارزه با فرهنگ امپریالیستی را در حجاب اجباری میبنداند. اما توده های زحمتکش ما بخواهی سدانند که جیسار زنانی که حجاب اسلامی بر سر دارند، اما در تمام رفتار و حرکات زندگی روزمره خود، در حجاب اسلامی، فساد و فرهنگ امپریالیستی، مصرف کالاها و تجملاتی زینتی امپریالیستی کام بر سر می دارند، و نیز با تئوئی اوزبان که حجاب اجباری را محصل نمی کنند، اما بیکرانه با فرهنگ امپریالیستی و مسامانی که زن را بدگال تبدیل کرده است، مبارزه کرده می کنند. در این میان جناح دیکر هیئت حاکمه یعنی اصطلاح

"البرالها" تلاش می کنند که خود را مخالف با شیوه های ضد دیکراتیک حزب جمهوری اسلامی معرفی کنند، تا خود را حامی زنان نشان داد و بدین طریق این نیروی عظیم را در جهت تثبیت و تقویت موقعیت خویش بکار گیرند. و بالاخره تا این حد که وابسته به سرمایه های بزرگ و انحصارات امپریالیستی (سلطنت طلبان، بختیارها و امثالهم) نیز از موقعیت سودی جویند و می گوشتن تا با مخالفت با مسئله حجاب اجباری خود را طرفدار آزادی (خوان بی بندوباری) زنان قلمداد کنند. اما زنان زحمتکش میهن ما بخواهی که آزادی و عود دادن حجابی بوزن و این سرسیردگان امپریالیست، روزی ضد خلقی شاه، چیزی جز آزادی در استعمار بیشتر، آزادی فروش کالاها و نحلی و زینتی امپریالیست به بیای غارت زحمتکشان، و چیزی جز گسترش نفوذ فرهنگ منط امپریالیستی نیست.

دفعه بعد آنها آزادی زنان، دفاع از حخته، دفاع از اعتماد، برائی عشرتکده ها و هزاران تجلی فرهنگ سرمایه داریست.

ما ضمن محکوم کردن مسئله حجاب اجباری بعنوان سیاسی ضد دیکراتیک که هدی جز طرد زنان از فعالیتها اجتماعی ندارد، بر آنها جزئی از ضمیمه حقوق دیکراتیک زنان میدانم، از زنان زحمتکش و ما را زنی می خواهیم که با بهای مبارزه علیه سانسهای ضد دیکراتیک، حاکم، بر علیه کسانی نظیر بختیارها، سلطنت طلبان و لبرالها که می گوشت خود را مدافع و طرفدار آزادی زنان حاکم بر سر دارند، مبارزه کنند. از زنان مبارز و انقلابی می خواهیم که با هوساری هر چه تا منجر به هر گزیه این اصطلاح طرفداران آزادی زنان را به مردم نشان دهد و طرفداران آنها را افشا و بی اعتبار سازد.

هفته گذشته، فبروز کوه، شاه در تحریکات و حمله پاسداران و چماق بدستان به نیروهای مترقی و انقلابی بود که منجر به شهادت رفیق اسفندیار قربانی شد.

پاسداران که باعث شهادت او در روز جمعه دوازدهم تیرماه شدند از سه روز قبل، جوشهر رانا آرام و مستخ کرده بودند. روز نهم تیر درگیری ها با حمله پاسداران به یکی از توپخانه کنندگان خیرنا که گولمه آغاز شد. پاسداران حمله و هجوم به این رفیق خواستند و او دستگیر شدند ولی موفق نشدند. فالاژها و عناصر در حرکت شده و با آگاه به تجمع نیروهای مترقی که در گوسه ای از میدان شیرخاظر دفاع از دفاع سیاسی جمع شده بودند، با ست، وجوب حمله می کنند. فردای آرزو بدنبال سخنرانی تحریک آمیزیک روحانی، سیاه پاسداران خواستار دستگیری عناصر انقلابی میسود و شب همان روز با هجوم به خانه یکی از اهالی، کنفرانس تمام (مسلم سراج) است ادب اربابان شکده اراک، راک هیچ دخالتی در این درگیری ها نداشته دستگیر می کنند. این حرکت موجب خشم و اعتراض مردم میسود و با اینکه قول میدهند فردا آزاد آنها کنند وی را همراه برادرش که او نیز دستگیر شده بودند اعرام میسود.

جوشهر همچنان مستخ بود تا اینکه بعد از ظهر جمعه دوازدهم تیر ما، دوباره پاسداران به دست دوشادوشان شهر حمله می کنند، در جریان دستگیری آنها و انتقالشان بداخل اتومبیل اسفندیار قربانی مورد ضربات تلویه قرار میگیرد، پاسداران بدون مراجه به پزشک میخو اهند او را به تهران منتقل کنند ولی بین راه مجروح که شدت مورد ضربات تصدای قفسک قرار گرفته بود شهید میسود. پاسداران روز شنبه شهادت او را اعلام می کنند و مردم را از روزگوشه عکس العملی سر حذر میدارند و تهدید می کنند که هر عکس العملی، با شدت جواب داده خواهد شد. ما ضمن کرامت میداست خار، شهید اسفندیار قربانی و وفاداری به آرمان او که رهائی کارگران و زحمتکشان از زیر یوغ ستم و استعمار امپریالیست است. هرگونه حمله نیروهای فاشیستی و پاندهای سیاه را به عناصر مترقی و انقلابی و هرگونه ایجاد جو حرکت و سنج را محکوم می کنیم.



هفته گذشته شرق تهران شاهد فاجدهای بود که ساه پاسداران و افراد کمند هاسی منطقه وجود آوردند. اسس ماحر اکده اس و حوص جمهوری اسلامی را از سرسود کسرس آگاهی سیاسی بود هجا مساند ما هس اس اس رجوسی به ماش گذارد.

هواداران گروههای ستاسی در منطقه نارمک برای فروتی کت و شترت خود در یکی از چهارراههای اس خناسان مسفر شده بودند. این محصل سدرج به کانونی برای سحتو گفتگو و تبادل اخبار و نظرات در آ مد و جمعیت قابل توجهی سسرت در اس صاحب شرکت کرده و مسو خود در انشا عه گسرتس آگاهی و فرهنگ انقلابی سسبی می گوشتند، بدسی است که اس خرابان نمی توانست برای کسی که متاقتان در حتمس بوده هاسفته است قابل تحمل باشد و درست سهم دلسل افراد ساه پاسداران و کمتسه های منطقه نارمک برای تاسن و حفظ منافع آنان در هفته گذشته سسبانه های واهی و سوج درگیری در سن دو گروه هاس مرکز حمله

فدائیان خلق می پرسند:

### اگر حاکمیت "ملی و مترقی" است،

- چرا به خواسته های برحق خلقهای زحمتکش، با بی مب و گلوله پاسخ میدهد؟!
- چرا "زیبائی شهر" را بیش مهمتر از زندگی هزاران هزار زحمتکش است؟!
- چرا هیچ کام مؤثری برای حل مشکل گرانی - بیکاری و... برنمیدارد؟!
- چرا فدائیان خلق و مجاهدین خلق را بدروغ آمریکائی و ضد انقلابی معرفی میکنند؟!
- چرا در پاکسازی "کله گنده ها را برکنار نمیکنند؟" و بیشتر نیروهای انقلابی را از کار بیکار میکنند؟

سازمان حرکتکهای فدائی خلق ایران

ب - الف ۲

## پیش بسوی تشکیک حزب طبقه کارگر

بقیه در صفحه ۲